



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

۱۱

فقہ و فرائض

شمس اللہ صفری

احکام چیشن و شادمانی



پبلشرز: ماسٹر پبلسنگ ہاؤس، لاہور۔ پاکستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه و زندگی 11: احکام جشن و شادمانی

نویسنده:

شمس الله صفرلکی

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فقه و زندگی ۱۱: احکام جشن و شادمانی
۷	مشخصات کتاب
۸	فهرست
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: تعریف، فواید و عوامل
۱۷	شادی
۱۷	شادی چیست؟
۱۷	ضرورت شادی و تفریحات
۱۹	فواید شادی
۲۱	شادی در قرآن
۲۳	عوامل شادی
۲۳	عوامل و معیارهای شادی در اسلام
۲۷	فصل دوم: شرایط و آداب شادی
۲۷	اشاره
۲۹	انواع شادی
۳۵	نمونه هایی از مزاح پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۵	زیبایی و زینت
۳۷	فصل سوم: مصادیق شادی و احکام آنها
۳۷	اشاره
۳۹	غنا در عروسی ها
۴۱	حضور داماد در مجلس زنانه
۴۲	اختلاط زن و مرد در مجلس عروسی
۴۲	عکاسی و فیلمبرداری از مجالس عروسی

۴۴	مسائل متفرقه عروسی و ازدواج
۴۶	استفتانات موسیقی و غنا
۵۰	فصل چهارم: آلات و ابزار شادی آفرین
۵۰	اشاره
۵۴	مزد خوانندگان
۵۹	کف زدن
۶۲	فصل پنجم: اعیاد
۶۲	اشاره
۶۶	اعمال روز عید فطر
۶۷	اعمال روز عید قربان
۶۹	اعمال روز عید غدیر
۷۱	عید مبعث
۷۱	نوروز (اَوَّل فروردین)
۷۳	احکام عید نوروز و مراسم آن
۷۳	چهارشنبه سوری و ترقه بازی
۷۵	ولیمه و عقیقه
۷۷	مراسم ختنه
۸۱	شادی های واقعی
۸۳	منابع
۸۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: صفرلکی، شمس الله

عنوان و نام پدیدآور: احکام جشن و شادمانی / شمس الله صفرلکی؛ زیر نظر محمدحسین فلاح زاده.

مشخصات نشر: قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، انتشارات نور السجاد، 1383.

مشخصات ظاهری: ص. 144؛ 17x12 س م.

فروست: فقه و زندگی؛ 11

شابک: 7000 ریال: 9647163487؛ 10000 ریال (چاپ دوم)

یادداشت: کتابنامه: ص. [141] - 143؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: جشن ها -- اسلام

جشن ها (فقه)

جشن ها -- احادیث

تفریح -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر

رده بندی کنگره: BP259/ص 7 الف 3

رده بندی دیویی: 297/73

شماره کتابشناسی ملی: م 83-2074

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

انتشارات نور السجاد

قم، تلفن 7775805

نام کتاب ... احکام جشن و شادمانی

مؤلف ... شمس الله صفرلکی

زیر نظر ... محمد حسین فلاح زاده

ویراستار ... مهدی محدثی

به سفارش ... ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر

ناشر ... نورالسجّاد

چاپ ... اعتماد

صفحه آرا و حروف نگار: ... آشنا

نوبت و تاریخ چاپ: ... اول، 83

شمارگان ... 5000 نسخه

قیمت ... 700 تومان

شابك: 7 - 48 - 7163 - 964

ص: 1

فهرست

فصل اول: تعریف، فواید و عوامل

شادی 17

شادی چیست؟... 19

ضرورت شادی و تفریحات... 21

فواید شادی 24

شادی در قرآن... 27

عوامل شادی 29

عوامل و معیارهای شادی در اسلام... 32

فصل دوم: شرایط و آداب شادی

انواع شادی 41

نمونه هایی از مزاح پیامبر صلی الله علیه و آله 52

زیبایی و زینت... 53

فصل سوم: مصادیق شادی و احکام آنها

غنا در عروسی ها... 60

حضور داماد در مجلس زنانه... 62

اختلاط زن و مرد در مجلس عروسی 64

عکاسی و فیلمبرداری از مجالس عروسی 65

مسائل متفرقه عروسی و ازدواج... 67

استفتائات موسیقی و غنا... 69

فصل چهارم: آلات و ابزار شادی آفرین

خوانندگی زنان در مجالس شادی 85

مزد خوانندگان... 85

رقص و دست افشانی 86

کف زدن... 94

فصل پنجم: اعیاد

اعمال روز عید فطر... 109

ص: 2

اعمال روز عید قربان... 110

اعمال روز عید غدیر... 111

عید مبعث... 114

نوروز (اول فروردین)... 115

احکام عید نوروز و مراسم آن... 118

چهارشنبه سوری و ترقه بازی 121

ولیمه و عقیقه... 123

مراسم ختنه... 126

کارگشایی 126

موسیقی در مجالس جشن اهل بیت علیهم السلام 131

شادی های واقعی 133

منابع... 137

مقدمه

قال علی علیه السلام: «الْشُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَ يَبْثِرُ النَّشَاطَ (1)؛ شادمانی، موجب انبساط روح و مایه وجد و نشاط می شود».

دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین و جامع ترین دین به نیازها و رفتارهای انسان از افق بالایی نگریسته و برای رشد و تکامل او تکالیفی را قرار داده است. این تکالیف، چون در زمانهای مختلفی برای انسان پیش می آیند، متنوع و گوناگون اند؛ به طوری که ریاضت و راحتی، دشواری و آسانی و حزن و شادی در کنار یکدیگر مفهوم می یابند. در دین اسلام اگر روزه گرفتن واجب شده، پس از يك ماه ریاضت معنوی و جسمانی، عید و شادمانی وضع شده است، اگر به مجلس عزا و سوگواری ترغیب می شود، در مقابل به برپایی مجلس شادی و جشن میلاد و... نیز توصیه می شود. این تنوع نیازها در رفتارهای عملی دینداران واقعی نیز به خوبی ظهور و بروز دارد. آنان همان طور که در مصائب اهل بیت علیهم السلام غمگین اند، در مجالس شادی با ظاهری آراسته و لباسهای زیبا و استعمال بوی خوش ظاهر می شوند.

مؤمنان با این کردار فرح انگیز مروج شادی و انبساط در جامعه اند؛ زیرا می دانند که آراستگی ظاهری انسان عامل مهمی در جذب افراد به کردار پسندیده است. فرد مؤمنی که می خواهد دیگران را با عملش به ارزشهای الهی فرا خواند و مردم را شاد نگه دارد، باید در حد امکان، ظاهرش آراسته باشد.

در هر حال، بحث شادی و شادکامی که مدتی است در رسانه ها و مجامع ما مطرح شده، به نظر می رسد چندان مورد مطالعه عمیق قرار نگرفته است. آنچه مسلم است در حال حاضر مبناهایی درباره شادی و نشاط در جامعه ما مورد توافق همگانی قرار گرفته است؛ مانند چهره گشاده، لبخند، لباس مناسب و... .

ص: 3

1- . غرالحکم، ص 319.

اینگونه موارد ملاك شادابی شناخته می شود. حال اگر این شادی و نشاط واقعی و مبنای درستی داشته باشد، نتایج زیادی برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت؛ از جمله، موفقیت در امور مختلف زندگی، افزایش ارتباطات اجتماعی و برخورداری از سلامت جسمی و روحی.

فایده هایی که برای شادی بیان شد، زمانی به دست خواهد آمد که انسان به يك شادی بادوام و ریشه دار رسیده باشد که در ادبیات ما و دین اسلام با عناوینی همچون: سعادت و خوشبختی از آن یاد می شود.

شادی ها دو دسته اند: شادی های گذرا و شادی های ماندگار؛ به عبارت دیگر، شادی ها زمانی سازنده اند و زمانی مخرب. در بینش اسلامی و روان شناسی، شادی هنگامی سازنده و پایدار است که با اختیار و خودآگاهی و هدفی عالی همراه باشد، اما اعتیاد به برخی چیزها مانند: مواد مخدر، موسیقی، مجالس خوشگذرانی و امثال آن حالتی ایجاد می کند که انسان مسائل پیرامون خود را فراموش می کند؛ چه بسیار انسانهایی که برای فرار از واقعیت های زندگی به این امور پناه می برند.

مولوی تعبیر زیبایی در مورد چنین افرادی دارد. او می گوید:

تا دمی از هوشیاری وارهند ننگ خمر و زمر بر خود می نهند (1)

به هر حال اگر تفریح و شادی گریز از «خودی» به «بی خودی» باشد، نمی توان آن را شادی پایدار و واقعی دانست، بلکه نشاطی است که فقط چهره شخص را می پوشاند، خنده ای است که از گریه غم انگیزتر است! به تعبیر دیگر، شادی های گذرا مانند داروهای نیروزا هستند؛ این مواد نیروزا علاوه بر اینکه آثار بدی در شخص ایجاد می کنند پس از کشف چنین موردی آبروی انسان را نیز می برند. استفاده از ابزارهای نادرست کسب شادی نیز همانند استفاده از داروهای نیروزاست که سرانجام به غم و افسردگی منتهی می شود.

جوانهای بسیاری بوده اند که پس از لحظه های غافل کننده شادی های کاذب، زانوی غم در بغل گرفته و گریسته اند و در موارد حاد، دست به خودکشی زده اند؛ دلیل آن هم این است که چنین افرادی وقتی به خود آمده اند و آن غوغای رقص و آواز را تمام شده یافتند، باز خود را با همه ضعف ها و واقعیت های تلخ زندگی - که به نحوی قصد فرار از آن را داشته اند - روبرو دیده اند.

ممکن است گفته شود: پس چگونه می توان نیازهای حقیقی را تشخیص داد تا در پرتو آن شادی های واقعی را از شادی های کاذب تمیز داد؟ در پاسخ باید گفت: تعبیر زیبایی در قرآن درباره دنیا و آخرت وجود دارد که در واقع راه را نشان داده است. قرآن تفاوت آخرت را با دنیا اینگونه بیان می دارد: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» یعنی آخرت دو خصوصیت دارد که دنیا از آن بی بهره است. در آخرت هم خیر هست و هم تداوم. بر همین اساس می توان امور دنیوی را از امور اخروی تشخیص داد. شادی ناشی از مواد مخدر، رقص و آواز که نه خیری در آن است و نه تداومی دارد، بر اساس فلسفه الهی از مقدرات دنیوی هستند؛ همانطور که از این تعبیر زیبای قرآنی پیداست، «دنیا» در اینجا به معنای هر چیزی است که ما را از خدا غافل کرده، به امور غیر مفید و زودگذر بکشانند. در این میان، کار دین آن است که ما را از ظواهر دنیا و لذت های آنی اش جدا کرده، به امور پایدار و متعالی فرا خواند. بر این اساس هر عملی که این اختیار و آگاهی را - که وجه تمایز انسان از حیوان است - افزایش دهد، برای انسان سالم و در جست و جوی تکامل، مفید و مطلوب خواهد بود و در برابر آن، هر عاملی که جلوی این اختیار و آگاهی را بگیرد، عاملی منفی قلمداد خواهد شد. بدین ترتیب معلوم می شود که ریشه شادی و نشاط در درون انسان قرار دارد نه در بیرون. مولوی می گوید:

راه لذت از درون دان نی برون ابلهی دان جُستن قصر و حصون(1)

و در جای دیگری نیز می گوید:

آن یکی در گنج مسجد مست و شاد و آن دگر در باغ ترش و بی مراد(2)

با توجه به اینکه دین اسلام به شادی و نشاط افراد توجه ویژه ای دارد، برای این منظور راهکارهایی نیز توصیه نموده که به چند مورد آنها اشاره می شود:

1. ایمان و جهان بینی صحیح؛

2. زهد؛ یکی از مقولاتی که در پرتو ایمان و اعتقاد صحیح برای انسان حاصل می شود و در ایجاد شادی مؤثر است، زهد و قناعت است. تعابیر عمیقی در اسلام وجود دارد که در بحث شادی باید مورد استفاده قرار گیرد؛ نمونه ای از آن به کار بردن همزمان واژه زهد با واژه شادی و شادمانی است. زهد یعنی اینکه انسان از نعمت های دنیا استفاده کند، ولی به آن وابسته و حریص نباشد.

در این دنیا اگر سودی است با درویش خرسند است خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی این بیت از حافظ نشان دهنده این است که نوع نگاه انسان به دنیا می تواند اسباب خرسندی را فراهم کند. 3. داشتن نظم و برنامه در زندگی؛

4. ارتباط مستمر با افرادی که درك محضرشان به زندگی انسان معنا می بخشد؛ در روایات آمده که اگر کسی چهل روز با عالم عاملی برخورد نکند، قساوت قلب پیدا می کند.

5. برقرار کردن ارتباط عاشقانه با خدا از طریق ادعیه؛ بخصوص مناجاتهای عاشقانه و زیبایی که در صحیفه سجاده است.

6. داشتن ارتباط اجتماعی سالم و دوطرفه با همنوعان؛

7. داشتن جسم سالم؛ برای شاد بودن باید جسمی سالم داشت و لازمه آن تغذیه خوب و مناسب است.

8. ارتباط با طبیعت؛ امام رضا علیه السلام می فرماید: سه چیز روح را جلا می دهد: نگاه به آب روان، نگاه به سبزه و نگاه به صورت زیبا، (صورت زیبایی که دارای نورانیت خاص است و انسان از آن لذت حلال می برد). (3) گوش، چشم و دهان دریچه های ورودی جهان بیرون به جهان درون اند. پس نباید به هر چیزی اجازه عبور از این دریچه ها را داد.

9. ارتباط داشتن با گنجینه غنی ادبیات فارسی؛ که برای آشنا شدن با راههای شادی و سعادت انسان دارای اهمیت بسزایی است.

10. داشتن هنر؛ هنر اصیل نیز عامل خوبی برای کسب شادی و نشاط است(4).

11. گفتن و شنیدن لطفه های سالم؛ در روایات آمده است که بعضی از معصومان علیهم السلام از یاران خود می پرسیدند: آیا با هم شوخی و مزاح می کنید؟ می گفتند: نه. حضرت می فرمود: کار خوبی نمی کنید، هر چند شوخی زیاد وقار را کم می کند(5).

شمس الله صفرلکی

1- . همان.

2- . همان.

3- . وسائل، ج 5، ص 340.

4- . مجله پرسمان، سال دوم، شماره 5، بهمن 1381.

5- . همان.

فصل اول: تعریف، فواید و عوامل

شادی

شادی چیست؟

روان انسان در مقابل عوامل بیرونی و درونی واکنش‌های مختلفی از قبیل: شادی و خوشحالی، خشم و تنفر، ترس و اندوه و... از خود نشان می‌دهد که به آنها «هیجان» می‌گویند. این هیجانها بسته به عوامل پدید آورنده و نیز دیدگاه و اندیشه‌های انسان، گاهی مثبت و گاهی منفی هستند. یکی از این هیجانها «شادی» است که با واژه‌هایی چون سرور، نشاط، وجد، سرخوشی، مسرت و... مترادف است. متأسفانه تعریف جامع و کاملی از آن نشده، ولی با این حال تعریف‌های پراکنده‌ای برای هیجان گفته شده است: هنری موری می‌گوید: یکی از غریب‌ترین نشانه‌های مشخص عصر ما غفلت روان‌شناسان از موضوع شادی است؛ یعنی همان حالت درونی که افلاطون و ارسطو و تقریباً تمامی متفکران برجسته گذشته، آن را بهترین متاعی دانسته‌اند که از راه فعالیت قابل حصول است (1).

برخی گفته‌اند: شادی احساس مثبتی است که از حس ارضا و پیروزی به دست می‌آید (2).

بعضی نیز گفته‌اند: شادی عبارت است از مجموع لذت‌ها، منهای دردها (3).

برخی دیگر شادی را ترکیبی از عاطفه مثبت بالا و عاطفه مثبت پایین می‌دانند. شهید مطهری می‌گوید: سرور، حالت خوش و لذت بخشی است که از علم و اطلاع بر اینکه یکی از هدفها و آرزوها انجام یافته یا انجام خواهد یافت، به انسان دست می‌دهد (4).

شادی آن شادی است که از جان رویدت تا درون از هر ملالی شویدت

ورنه آن شادی که از سیم و زر است آتشی دان کاخرش خاکستر است

ضرورت شادی و تقریحات

انسان بنا به ضرورت طبیعی و برای رفع خستگی و نیز تنوع در زیست، به تفریح می‌پردازد و اوقات فراغت خود را با کارهای مسرت بخش و فرح انگیز می‌گذراند؛ تا بصورت موقتی، از قید و بندهای عادی زندگی آزاد گردد و چند ساعتی بدون احساس مسئولیت سرگرم نشاط و شادمانی باشد.

شادی و تفریح اگر منطقی و به دور از افراط و تفریط باشد، نیازی است که به زندگی معنا می‌دهد و عامل رشد و موفقیت بوده، محرکی برای کار و فعالیت بیشتر است.

به تعبیر دیگر آفرینش جهان هستی و انسان به گونه‌ای است که خود بخود شادی و نشاط را برای آدمی فراهم می‌آورد و عواطف منفی مانند: ناکامی، ناامیدی، ترس و نگرانی را بی‌اثر می‌سازد.

اگر به طبیعت توجه کنیم، می‌بینیم که مظاهرشادی به تمام و کمال خود را نشان می‌دهند؛ بهار با گل‌های رنگارنگ و آبشارهای زیبا، نوای دلنشین پرندگان، باران لطیف، رویش گیاهان، کوه‌های سبز سر به فلک کشیده، آسمان صاف و آبی، رودخانه‌های زیبا و بسیاری دیگر از

پدیده های جهان برای انسان شادی آور و سرور آفرین است.

اسلام که دین فطرت است و به تمام نیازهای طبیعی و فطری انسان توجه دارد پیروان خود را به شادی های مثبت،

ص: 6

1- . شرع و شادی، ص 22.

2- . همان، ص 23.

3- . همان.

4- . مقالات فلسفی، ج 2، ص 66؛ غم و شادی، ص 24.

سازنده و مفرح دعوت می کند؛ چرا که استفاده از امور مفرح و شادی آور در موقع مناسب و با رعایت حدود، برای تجدید نشاط و کاستن از يك نواختی زندگی بسیار مؤثر است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: **إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ؛ (1)**؛ این دلها همانند بدنها خسته و افسرده می شوند [و نیاز به استراحت دارند]، در این حال، نکته های زیبا و نشاط انگیز برای آنها انتخاب کنید.

اهمیت شادی و تفریح آنچنان است که در روایات تأکید شده بخشی از ساعات شبانه روز باید به آن اختصاص یابد.

امام علی علیه السلام در روایت دیگری می فرماید: **لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ (2)**؛ بر مؤمن لازم است شبانه روزش را به سه قسمت تقسیم کند: قسمتی را برای راز و نیاز با خدا، قسمتی برای امرار معاش و تأمین زندگی و قسمتی هم برای بهره برداری از لذت های حلال و نیکو.

امام رضا علیه السلام در روایتی می فرماید: اوقات خود را به چهار بخش تقسیم کنید: بخشی را برای عبادت، بخشی را برای کار و فعالیت برای تأمین زندگی، بخشی را برای معاشرت و مصاحبت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب هایتان واقف می سازند و بخشی را به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و با مسرت و نشاط و تفریح و شادی، نیرو و توان انجام وظایف دیگر خود را تأمین نمایید (3).

حضرت امام خمینی قدس سره به مسئله تفریح اهمیت خاصی می داد و به بعضی از فرزندان سفارش می کرد که تفریح داشته باشند؛ چرا که در صورت عدم تفریح در تحصیل موفق نخواهند بود. هنگامی که می دید بعضی از فرزندان در روز تعطیل مشغول درس خواندن است، می فرمود: به جایی نمی رسی؛ چون باید هنگام تفریح، تفریح کنی. و نیز می فرمود: باید در ساعت تفریح درس نخوانید و در ساعت درس تفریح نکنید. و مکرر می فرمود: من در طول زندگی نه يك ساعت تفریح را برای درس گذاشتم و نه يك ساعت درس را برای تفریح (4).

فواید شادی

برای شادی و نشاط فوایدی ذکر شده که به چند مورد آن اشاره می شود:

1. نشاط روحی؛ سرور و شادی، موجب بهجت و انبساط روحی انسان می شود.

2. سلامتی بدن؛ اهمیت شادی تا بدان حد است که می تواند بیماری های صعب العلاج جسمی را درمان کند.

یکی از جراحان معروف می گوید: شادی نه تنها جلوی بسیاری از بیماری های ناشی از ناملایمات را - که در قرن حاضر زیاد است - می گیرد، بلکه حتی قادر است جلوی رشد و نمو بیماری سرطان را که در کمون است، نیز بگیرد (5).

آقای «جان شنیدار» می گوید: هر روز خود را با مسرت و شادی آغاز کنید. يك راه ساده آن است که پس از بیدار شدن به همسر خود لبخند بزنید و جمله ای خوشایند بر زبان بیاورید، حتی اگر اغراق آمیز باشد. یا کنار پنجره اتاق بروید و بیرون را تماشا کنید و با عبارت «عجب روز قشنگی است» به همسرتان روحیه دهید. اگر هم روزی ابری و بارانی بود، با خوشحالی بگویید «چقدر برای زراعت و پر

شدن سدها مفید است». شاید کمی خنده دار به نظر برسد، اما این برخوردها اکثر اوقات نتیجه بخش است. بهترین راه رهایی از افکار کسالت بار آن است که زیباییهای اطراف را ببینید و

ص: 7

-
- 1- . نهج البلاغه، کلمات قصار، ش 188.
 - 2- . همان، 382.
 - 3- . بحار الانوار، ج 17، ص 208، غم و شادی، ص 25.
 - 4- . برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج 1، ص 60.
 - 5- . روان درمانی برای همه، ص 524؛ شرع و شادی، ص 24.

آنها را ستایش کنید، یا آنکه لطیفه و سخن نغز بگویید، هر چه صفت شوخ طبعی و شیرین سخنی در شما عمیق تر شود، از امراض روان تنی فاصله بیشتری می گیرید؛ خوش خلقی و نرم زبانی شما را نزد دیگران محبوب می سازد و برعکس، کج خلقی از ارج و قربتان می کاهد. این را بدانید که همه دوست دارند با اشخاص سر زنده و بذله گو محشور باشند، کلمات نغز و دلنشین از عقل سلیم سرچشمه می گیرد، هر کسی می تواند به گونه ای روحیه طنز گویی را در خود پیرواند و دیگران را از احساسات خوب خویش بهره مند سازد. (1)

آقای شنیدار اضافه می کند: یکی از کشیسه‌های شهر ما آدم خشک و بی انعطافی بود و نمی توانست با دیگران وارد صحبت شود، اما به تدریج از این نقیصه رهایی یافت؛ هر روز حکایات و طنزهایی را که در روزنامه ها و مجلات می خواند، به خاطر می سپرد و هرگاه کسی را می دید، یکی از آنها را تعریف می کرد. دیگران نیز طبیعتاً واکنش مشابهی نشان می دادند. او به تدریج در این کار تبحر پیدا کرد؛ به صورتی که می توانست در هر موقعیتی حکایتی مناسب بیان کند، به این ترتیب به عنوان کشیسی بذله گو در تمام شهر مشهور شد و حضورش به مردم شادی بخشید. (2)

3. رشد علمی و تحصیلی؛ آزمایش های مختلف در کلاسهای درس نشان می دهد کسانی که به دلایل گوناگون شادابی و نشاط خود را از دست داده اند، نمی توانند در تحصیل و تحقیق موفق باشند و حتی گاهی ترك تحصیل می کنند.

4. رشد اقتصادی؛ شادی بر روی فعالیتهای اقتصادی يك جامعه نیز تأثیر مستقیم دارد، به گونه ای که برخی کشورها برای بالا بردن میزان تولید، روحیه شادی و نشاط را در مدیران و کارگران خود تقویت می کند.

5. کاهش جرائم؛ رواج فرهنگ شادی و تبسم بر چهره جامعه، عصبانیت ها و تندخویی ها را نیز کمتر می کند و از میزان جرائم می کاهد. انسانهای شاد و متبسم به آسانی با کسی درگیر نمی شوند. (3)

شادی در قرآن

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (4)؛ به مردم بگو شما باید به فضل و رحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که برای خود می اندوزید.

شادی در قرآن به گونه های مختلف مورد تأیید و توجه قرار گرفته است؛ البته شادی مورد توجه قرآن، شادی توأم با اهداف الهی و انسانی است. به همین خاطر است که می توان آیات قرآن را درباره شادی به دو دسته تقسیم کرد:

1. دسته ای از آیات مؤمنان را به شادی دعوت می کنند؛ مانند آیه 58 سوره یونس و نیز آیاتی که به مسلمانان به سبب پیرویشان بر مشرکان وعده شادی داده است: «وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ» (5) نکته مهم در این شادی ها این است که بر اساس ارزشها و اهداف مقدس قرآن می باشند.

2. دسته دیگری از آیات قرآن شادی را مذمت نموده و آنرا نهی کرده است. دو نمونه زیر از آن دسته اند: قرآن کریم در داستان قارون - که فردی خودخواه و مغرور بود و شادی هایی مستانه داشت - از زبان قومش می فرماید: «إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (6)؛ به خاطر بیاور هنگامی را که قوم قارون به او گفتند: این همه شادی مغرورانه نکن که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست ندارد.

قرآن کریم ضمن بیان عذابهای دوزخیان می فرماید: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ

ص: 8

1- . 365 روز با شادکامی، ص 148.

2- . همان.

3- . شرع و شادی، ص 13.

4- . یونس / 58.

5- . روم / 4 و 5.

6- . قصص / 76.

تَمْرَحُون» (1)؛ این به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می پرداختید. این نوع شادی ها که بی اساس، پوچ و همراه با گناه است، مورد مذمت قرآن قرار گرفته است.

عوامل شادی

براستی چه چیزهایی انسان را شاد می کند؟ در پاسخ به این پرسش پاسخهای مختلفی ارائه شده و هر کس به گونه ای عامل شادی را بیان کرده است. برخی می گویند ثروت، شهرت و قدرت، شادی آفرین است. اما به تجربه ثابت شده که ثروت به تنهایی شادی و خوشبختی نمی آورد.

دکتر دیویدمایرز در کتاب خود که «در جست و جوی شادی» نام دارد - کلیه مقاله هایی را که در امریکا، کانادا و کشورهای اروپای غربی درباره شادی به چاپ رسیده، به طور جامع بررسی می کند و اینگونه نتیجه می گیرد: «رابطه ای بین ثروت و شادی وجود ندارد و آرامش و شادی را نمی توان با پول خرید» (2).

تحقیق در مورد اشخاصی که يك شبه ثروتمند شده اند، گویای این است که پول نمی تواند موجب شادی باشد. عده ای بر این باورند که پس از ثروت، سلامتی عامل شادی است. این نظریه نیز ناتمام است؛ زیرا درست است که سلامتی جسم در شادی انسان مؤثر است، اما انسان استعدادها و توانایی هایی دارد که می تواند در حالت نقص عضو و بیماری هم خود را شاد نگه داشته، شرایط سخت را برای خود آسان کند. اساساً انسان می تواند خود را با شرایط دشوار تطبیق دهد. در میان اعراب ضرب المثلی هست که می گوید: اگر انسان را در دریا بیندازی، ماهی خواهد شد.

انسان اگر در باطن شاد و سرخوش باشد، در ناگوارترین شرایط هم شادمانی خود را حفظ می کند. اما اگر باطنی غمگین و افسرده داشته باشد، شادترین موقعیت ها هم تغییری در روحیه او به وجود نمی آورد. دو روان شناس به نام ریچارد شولز و سوزان دِکِر به بررسی اثرات دراز مدت ناتوانی جسمی پرداختند. آنها به بررسی سطوح شادی افرادی که 20 سال از ابتلای آنها به فلج می گذشت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که: «این اشخاص در مقایسه با جمعیت کلی، عاطفه مثبت نسبتاً کمتری را گزارش داده اند، اما عاطفه منفی آنها زیاد نشده است. در نتیجه، سطح متوسط رفاه یا رضایت آنها از زندگی فقط کمی پایین تر از جمعیت کلی بود. در واقع، افراد نقص عضو جسمانی، به اندازه افراد عادی شاد بودند» (3).

بعضی از روانشناسان، شخصیت و وراثت را عامل اساسی در شادی دانسته اند؛ آنان معتقدند که شخصیت افراد بیش از عوامل دیگر در تعیین سطح شادی آنها حائز اهمیت است. برخی مردم به خاطر منش و شخصیت خود، رویدادهای زندگی را مثبت و خوش بینانه تفسیر می کنند، در حالیکه عده ای دیگر در واکنش های خود به رویدادها ذاتاً منفی و بدبینانه عمل می کنند. این نظریه نیز کامل نیست؛ زیرا شخصیت و وراثت می تواند در میزان شادی مؤثر باشد، اما تنها عامل نیست و نباید تأثیر عواملی مثل محیط، تغذیه و مخصوصاً اختیار را نادیده گرفت (4).

عوامل و معیارهای شادی در اسلام

از مطالعه متون دینی چنین بر می آید که شادی دارای عامل مشخصی نیست، بلکه عوامل گوناگونی در بر انگیختن حس شادی در انسان مؤثراند. برخی از آن عوامل عبارتند از:

1. زیستن در زمان حال: (درک زمان و انشای درست از آن)؛ حضرت علی علیه السلام می فرماید: نگرانی روزی را که نیامده، بر امروز میفزا و قلبت را از اندوه گذشته آکنده مساز؛ چون تو را از آمادگی برای آینده باز می دارد و نگرانی های

ص: 9

1- . غافر / 75.

2- . شرع و شادی، ص 28.

3- . همان، 31.

4- . همان، ص 35.

سال را بر نگرانی امروزت اضافه نکن؛ برای امروز مشکلات خودت کافی است(1).

ویکتور هوگو می گوید: سراسر عمر ما تلاشی است پیوسته، برای دست یافتن به کامیابی و سعادت، در حالی که شاید خوشبختی همین لحظه ای بود که به آن می اندیشیدیم(2).

بسیاری از مردم در حسرت به دست آوردن آرمانها و اهدافی می سوزند که در آینده ممکن است آنها را شاد کند و از رفتارهای امروز خود - که می تواند برای آنها بسیار مسرت بخش باشد - غافل اند. هر انسانی می تواند با تکیه بر استعدادها و امکانات موجود و یاری جستن از نیروی ایمان، در هر روز و در سخت ترین شرایط هم شاد باشد. هراکلیوس به شاگردانش می گفت: شما نمی توانید دوبار در يك رودخانه شنا کنید؛ زیرا هر بار آبهای تازه ای بر شما می گذرد.

زندگی نیز همچون آب رودخانه و هر لحظه در گذر است. زندگی يك تحول دائمی است و یگانه چیزی که محقق و مسلم است، همین امروز است. چرازیباییهای امروز را با تصور مشکلات آینده - که در تردید و ابهام و تغییرات بدون انقطاع پوشیده شده و هیچ کس به درستی از آن اطلاع ندارد - زشت و بد نما کنیم؟

سعیدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست در میان این و آن فرصت شمار امروز را

درست است که انسان باید از گذشته درس بگیرد و آینده اش را نیز بنگرد، اما این عبرت آموزی و برنامه ریزی با غم و اندوه نسبت به آینده و سرت گذشته تفاوت دارد.

2. پرهیز از گناه؛ شاد بودن همیشه انجام دادن کاری نیست، بلکه زمانی در پرهیز کردن نیز نمود پیدا می کند. گاهی اتفاق می افتد که با انجام کارهایی به ظاهر لذت بخش، هیچ لذتی به انسان دست نمی دهد و حتی رنج روانی و عذاب وجدان نیز به دنبال دارد. يك غذای لذیذ، رابطه جنسی و خانه بسیار زیبا، اگر حرام، نامشروع و غصبی باشد، برای انسان سالم و طبیعی تلخ و ناگوار است.

انسان هنگامی واقعاً شاد است که از گناه پرهیزد. عارفانی که با باده حق به سرخوشی رسیده اند و پای کوبان در طریق سلوک گام زده اند، معمولاً با پرهیز و ریاضت به مستی رسیده اند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد که بهترین بندگان خدا چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: آنهایی که وقتی نیکی می کنند، خوشحال می شوند و زمانی که بدی از آنان سر می زند، طلب استغفار می کنند(3).

حضرت علی علیه السلام فرمود: أَكْثَرُ سُرُورِكَ عَلَى مَا قَدَّمْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَ حُزْنِكَ عَلَى مَا فَاتَ مِنْهُ(4)؛ سرورت را زیاد کن بر آنچه از کارهای خیری که برای آخرت انجام داده ای و اندوهت را به آنچه از کارهای خیر محروم گشته ای.

مردی در حالی که شاد و مسرور بود خدمت امام جواد علیه السلام رسید حضرت فرمود: علت شادی تو چیست؟ آن مرد گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، از پدر بزرگوارت شنیدم که فرمود: بهترین روزی که سزاوار است بنده خدا در آن روز شاد باشد، روزی است که توفیق خدمت و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او گردد؛ امروز من موفق شدم به 10 نفر از فقیرانی که از فلان شهر نزد من آمده بودند، بخشش نمایم، به همین جهت خوشحالم. امام فرمود: «اگر آن اتفاق و بخشش خود را به وسیله منت گذاشتن نبود نکرده باشی، به جان خودم سوگند که تو شایسته این شادی هستی»(5).

3. احیای ارزشها؛ مؤمن هنگامی شاد است که ارزشی از ارزشهای دینی را زنده و ضد ارزشی را محو کرده باشد. امام صادق علیه السلام

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 384.

2- . همان.

3- . میزان الحکمة، ده جلدی، ج 2، ص 439.

4- . همان، ص 437.

5- . شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت ص 261.

فرمود: **الْشُّرُورُ فِي ثَلَاثٍ خَلَالِ: الْوَفَاءِ وَرِعَايَةِ الْحُقُوقِ وَ النَّهُوضُ فِي النَّوَائِبِ (1)**؛ شادی در بین سه چیز نهفته است: وفاداری، رعایت حقوق دیگران و ایستادگی در گرفتاریها و مشکلات.

4. رضایت و تحمل مشکلات؛ گاهی در زندگی مشکلاتی پیش می آید که حل آنها بیرون از توان انسان است. بهترین راه برای رفع این گونه موارد کنار آمدن با آنهاست؛ راضی بودن به رضای خدا و اعتقاد به قضا و قدر به انسان آرامش می بخشد و در سخت ترین حادثه ها مددکار آدمی شده، حوادث عظیم را قابل تحمل می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: نشاط و شادی، در پرتو راضی بودن به رضای خدا و یقین به دست می آید و اندوه و غم، در شك و ناخشنودی به مقدرات الهی حاصل می گردد (2).

حضرت علی علیه السلام نیز فرموده است: به رضای خدا خشنود باش تا شاد و راحت زندگی کنی (3).

فصل دوم: شرایط و آداب شادی

اشاره

اسلام برای شادزیستن آداب و شرایطی برشمرده و بایدها و نبایدهایی را وضع کرده است، از جمله این که:

الف: گناه و معصیت نباشد

مجالس شادی نباید همراه با گناه و معصیت باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: **لَا تَسْخَطُوا اللَّهَ بِرِضَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَلَا تَتَقَرَّبُوا إِلَى النَّاسِ بِتَبَاعُدٍ مِنَ اللَّهِ؛ (4)** به خاطر رضایت و خشنودی احدی از مردم، موجب خشم خداوند نشوید و به وسیله دوری از خدا به مردم نزدیک نشوید.

و نیز فرمود: **لَا يُبَغَى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصَى اللَّهَ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ؛ (5)** برای مؤمن سزاوار نیست در مجلسی بنشیند که در آن نافرمانی خدا می شود و او نمی تواند جو مجلس را عوض کند.

ب: همراه با اذیت و آزار نباشد

یکی دیگر از شرایط شادی و تفریح این است که با اذیت و آزار دیگران همراه نباشد. متأسفانه امروزه بسیاری از شادی ها همراه با آزار دیگران است؛ مانند: بلند کردن صدای موسیقی، کارناوالهای عروسی، آهنگهای مبتذل، مزاحمتهای تلفنی، کبوتر پرانی، انفجار ترقه در شبهای شادی و ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **مَنْ آذَى مُسْئِلِمًا فَقَدْ آذَانِي (6)**؛ کسی که مؤمنی را آزار دهد مرا آزار داده است. امام صادق علیه السلام فرمود که خداوند می فرماید: **لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مَتَى مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ (7)**؛ آن کس که بنده مؤمن مرا بیازارد، به من اعلان جنگ می دهد.

ج: لهو نباشد

انسان اشرف مخلوقات است و برای اهداف عالی - که همان شناخت ربوبیت است - آفریده شده. او باید به مقام قرب الهی برسد. جای تأسف است که این انسان با چنین کرامتی در بسیاری از مواقع خود را فراموش کرده، ساعتها وقت خود را به بطالت، هوسبازی، لهو و لعب می پردازد. مجالس شادی اگر دارای هدفی عقلانی نباشد، به لهو می انجامد و

ص: 11

-
- 1- . تحف العقول، ص 322.
 - 2- . همان، 71، ص 195.
 - 3- . همان.
 - 4- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 422.
 - 5- . الکافی، ج 2، ص 374.
 - 6- . تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 201.
 - 7- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 587.

لهو، باطل و حرام است.

انواع شادی

در يك تقسیم بندی می توان شادی ها را به دو گروه شادی های پسندیده و شادی های ناپسند تقسیم کرد. هر يك از این دو نیز دارای مصادیق مختلفی است که به عنوان نمونه به چند مصداق از آنها اشاره می شود: ملاقات با برادران دینی پیامبر اکرم در وصیت خویش به امام علی علیه السلام فرمود: **يا عَلِيُّ ثَلَاثٌ فَرِحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ وَ تَقَطِيرُ الصَّائِمِ وَ التَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ**؛ (1) ای علی، برای مؤمن در دنیا سه عامل خوشحالی وجود دارد: دیدار برادران دینی، افطار روزه و شب زنده داری در آخر شب.

انجام يك عمل عبادی

اینکه عید فطر و قربان پس از يك ماه عبادت و مراسم عبادی است و بر اساس آنچه از حدیث فوق برمی آید، در بندگی خدا و پس از يك عمل عبادی، شیرینی و شادی خاصی برای مؤمن به وجود می آید که باید آن را گرامی دارد.

شادی برای حل مشکلات علمی یکی از شادی های معقول و سازنده، شادی برای رشد علمی و رفع مشکلات علمی است. کسانی که به مطالعه و دانش عشق می ورزند، لحظه های تحصیل و مطالعه خود را بهترین لحظه ها می دانند. درباره شیخ طوسی گفته اند که گاهی تا صبح روی مسئله ای فکر و مطالعه می کرد، هنگامی که آن مشکل را حل می کرد، آنچنان بهجت و مسرتی به او دست می داد که فریاد می زد: **أَيْنَ الْمُلُوكِ وَ أَبْنَاءِ الْمُلُوكِ**؛ پادشاهان و شاه زادگان کجا هستند [که این لذت را درک کنند].

احیای ارزشها

یکی دیگر از شادی های مثبت و پسندیده، تشکیل مجالس جشن و سرور به مناسبت روزهای شادی معصومان است؛ مانند: سالروز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام و اعیاد اسلامی. ائمه اطهار علیهم السلام تأکید کرده اند که شیعیان، کسانی هستند که در شادی های اهل بیت شاد باشند. موارد یاد شده، شادی های پسندیده را شامل می شد، اما در شریعت اسلام برخی از شادی ها ناپسند و نکوهیده است و مؤمنان باید از آنها پرهیزند. برخی از این شادی ها عبارتند از:

شادی های تمسخرآمیز

یکی از شادی های منفی، شادی های تمسخرآمیز است که به منظور تحقیر و تضعیف دیگران، خصوصاً مؤمنان و حق طلبان انجام می شود؛ مانند خنده فرعون در برخورد با دلایل منطقی و معجزات روشن حضرت موسی علیه السلام، چنانکه قرآن کریم می فرماید: **«فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ»** (2)؛ چون آیات ما را برای آنها آورد، او را مسخره کردند و بر آن خندیدند. و در آیه ای دیگر می فرماید: **«إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ»** (3)؛ همانا امروز بدکاران بر اهل ایمان می خندند.

شادی به لغزشهای دیگران هر انسانی در طول زندگی لغزش و اشتباهاتی دارد و ممکن است گاهی در موقعیتهایی قرار گیرد که مورد مضحکه و خنده دیگران واقع شود. لکنت زبان، توپوق زدن در هنگام سخن گفتن و... مواردی هستند که باعث خنده دیگران می شوند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: **لَا تَفْرَحْ بِسِقْطَةِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ بِكَ الزَّمَانُ** (4)؛ به لغزش دیگران

- 1- . من لايحضره الفقيه، ج 4، ص 58.
- 2- . زخرف / 47.
- 3- . مطففين / 29.
- 4- . ميزان الحكمة، ج 7، ص 149.

خوشحال مشو؛ زیرا نمی دانی که زمانه با تو چه خواهد کرد.

تجربه نشان داده است هر کس به عیب دیگران بخندد، دیگران هم بر او خواهند خندید. متأسفانه کم نیستند افرادی که اگر صدها خبر درباره شادی و موفقیت دیگران بشنوند، هیچ عکس العملی نشان نمی دهند؛ در حالیکه از شنیدن خبر شکست دیگران به وجد می آیند.

خنده های بی مورد

برخی افراد با کوچکترین سخنی - حتی غیر خنده دار - قهقهه سر داده و می خندند. در صدر اسلام عربی بادیه نشین به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، در حالیکه بر ماده شتری چموش سوار بود. پس از عرض سلام، شترش او را از محضر پیامبر صلی الله علیه و آله دور کرد و این عمل چند مرتبه تکرار شد. همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله به او خندیدند و مرد عرب از خنده آنان ناراحت شده، شترش را کشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «دامنهای شما پر از خون آن شتر است، شما خندیدید و او از رفتار شما عصبانی شد و او را کشت» (1).

شادی به گناه

امام علی علیه السلام فرمود: **الْتَّبَهُجُ بِالْمَعَاصِي أَقْبَحُ مِنْ زُكُوبِهَا (2)**؛ شادی به گناه، زشت تر است از انجام آن. و در روایت دیگری از امام سجاد علیه السلام نقل است که فرمود: از خوشحالی به گناه پرهیز؛ چرا که خوشحالی به گناه از خود گناه بدتر و بزرگتر است (3).

شادی در مصیبت دیگران

حضرت علی علیه السلام در تشییع جنازه ای شرکت کرده بود، ناگهان صدای خنده مردی را شنید، در این هنگام فرمود:

«گویی مرگ در دنیا بر غیر ما نوشته شده، گویی حق بر غیر ما واجب گشته، گویی این مردگانی را که می بینیم، مسافرانی هستند که به زودی به سوی ما باز می گردند؛ آنها را در قبر می گذاریم و میراث آنها را می خوریم و گویی بعد از آنها جاودان هستیم» (4).

خنده و شادی در برابر افراد محزون و غصه دار صحیح نیست. امام حسن عسکری علیه السلام در این باره می فرماید: **لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرْحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ (5)**؛ در برابر افراد محزون اظهار شادی کردن، بی ادبی است.

شادی مستانه به خاطر مال و ثروت داشتن مال و ثروت، ارزش و افتخار محسوب نمی شود؛ مهم نحوه استفاده از مال و ثروت است که اگر در مسیر صحیح و درست استفاده شود و دارنده آن به دارایی خود مغرور نشود، ارزش دارد. قرآن کریم درباره قارون می فرماید:

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ وَلَتَنُوءًا بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ (6)؛ همانا قارون یکی از ثروتمندان قوم موسی بود که بر آنها راه ستم و سرکشی را پیش گرفت و ما آنقدر گنج و مال به او دادیم که حمل کردن کلیدهای آن گنجها، نیرومندان را خسته می کرد.

قارون به جای اینکه از آن همه ثروت، در مسیر صحیح استفاده کند، مغرورانه می گفت: «این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام» و مال و ثروت خود را به رخ مردم می کشید و خودنمایی می کرد، تا اینکه قومش به

- 1- . محجه البيضا، ج 5، ص 233.
- 2- . ميزان الحكمة، ج 3، ص 463.
- 3- . همان.
- 4- . نهج البلاغه، كلمات قصار، 122.
- 5- . تحف العقول، ص 489.
- 6- . قصص / 76.

«... لا تَفْرَحُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْفَرِحِينَ» (1): این همه شادی مغرورانه مکن که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد.

کارناوال (کاروان) شادی

یکی از سنتهای شادی رایج در غرب «کارناوال» یا کاروان شادی است که دسته ای از مردان و زنان با جامه های مختلف و رنگارنگ در روزهای جشن و شادی به راه می افتند و با بازیها، حرکات و آوازهای مختلف موجب تفریح و شادمانی بینندگان می شوند. (2)

این سنت به تقلید از کشورهای غربی، در ایران نیز برگزار می شود که اولین بار در 24 اسفند سال 1311 به مناسبت تولد شاه و با تشویق سرلشکر «آیرم»، رییس شهربانی، علاوه بر جشن و چراغانی، مقدمات کارناوال نیز فراهم گردید و عده ای در آن شرکت کردند. در پیشاپیش کاروان شادی، عروسکی از «چارلی چاپلین» قرار داده شده بود که شیرین کاری می کرد و بعد از آن گروهی با ماسک های مختلف ساز می زدند و می رقصیدند (3).

متأسفانه، این سنت غربی پس از انقلاب اسلامی نیز به وسیله بعضی غریزدگان به عنوان کاروان شادی، گاهی در بعضی از شهرها و مناطق کشور برگزار می شود؛ مثلاً در سال 1378 جشنواره تاپستانی کیش مطرح شد و کارناوال شادی به راه افتاد، در ایام مبارک دهه فجر نیز گاهی همین کارناوال ها به بهانه جشن پیروزی انقلاب با رقص و آواز و پوشیدن لباسهای نامناسب و به منظور تحقیر ارزشهای دینی و انقلاب به راه می افتند که غیر از توهین به نظام ثمری در بر ندارند (4).

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام به عنوان تبیین کننده اصلی شرع مقدس نسبت به مسئله شادی، هم در گفتار و هم در کردار پرداخته اند. آن پیشوایان پاک در روزهای شادی ضمن شادی و سرور برنامه هایی داشتند که از مجموع آنها چنین بر می آید که در ایام شادی نیز تکالیف الهی و شرعی تعطیل نمی شود و حد و مرز حلال و حرام باید رعایت گردد. مزاح و شوخی یکی از لوازم مجالس شادی لطیفه و طنز است؛ برآستی که طنز یکی از هنرهای جذاب و مهم است و بوسیله آن می توان به اهداف سیاسی و اجتماعی خاصی دست یافت. نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که طنز و لطیفه نباید موجب هجو دیگران شود و آبروی مؤمنان را به خطر اندازد. در برخی از اجتماعات دیده می شود که برای خندانن دیگران، در قالب لطیفه به اقوام خاصی توهین می شود که این مسئله جایز نیست.

در احادیث آمده است: کسی که به مؤمنی طعنه بزند، خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می کند (5).

این مسئله نیز در ضمن استفتائاتی از مراجع مورد پرسش قرار گرفته است.

س: گفتن لطیفه های رایج کشور که حالت تمسخر قشر، قوم یا مناطقی از مردم کشور را در بر می گیرد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر استهزاء آنان محسوب گردد جایز نیست (6).

- 1- . همان.
- 2- . فرهنگ فارسی معین، ج 3، ص 2817.
- 3- . غم و شادی، ص 60.
- 4- . همان.
- 5- . الحکم الزاهرة، ج 2، ص 318.
- 6- . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج 2، ص 59.

طبیعت انسان، مزاح را می پسندد و با آن شاد می شود. در آموزه های اسلامی در مورد شوخی دو گونه روایت وارد شده است: يك دسته از روایت ها به شوخی توصیه کرده و دسته ای دیگر از آن نهی نموده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من هم مانند شما بشری هستم که قهرا شوخی و مزاح می کنم (1).

و در جای دیگر می فرماید: من شوخی می کنم، ولی در گفتارم بجز حق و راست نمی گویم (2).

حضرت علی علیه السلام می فرماید: هرگاه یکی از یاران رسول خدا اندوهگین بود، رسول خدا با شوخی کردن او را شادمان می نمود.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: مؤمن، شوخ طبع و خوش مشرب است؛ ولی منافق گرفته و خشم آلود می باشد (3).

در برخی از احادیث نیز مزاح و شوخی زیاد نهی شده است: حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که زیاد مزاح می کند، شکوه و وقار او کم می شود.

و یا در جای دیگر فرموده: شوخی بسیار آبرو را می برد و موجب کینه توزی و دشمنی می گردد (4).

در جمع بین این دو دسته از روایات، در می یابیم که افراط در شوخی و مداومت به آن و یا شوخی هایی که به دروغ و غیبت منتهی می گردد، پسندیده نیست و گاهی حرام است؛ ولی اگر مزاح بصورت معقول و بر پایه حق باشد، هیچ اشکالی ندارد.

نمونه هایی از مزاح پیامبر صلی الله علیه و آله

1. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام خرما می خوردند. پیامبر هسته خرماهایی را که می خورد، جلوی امام علی علیه السلام می گذاشت. هنگامی که از خوردن خرما فارغ شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چقدر خرما خورده ای؟! امام علی علیه السلام در پاسخ فرمود: هر کس خرما را با هسته اش بخورد پرخور است (5).

2. روزی زنی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا سوار شتر کن. حضرت فرمود: ما تو را بر بچه شتر سوار می کنیم. آن زن گفت: بچه شتر قدرت حمل مرا ندارد. پیامبر فرمود: هر شتری بچه شتر دیگر است، هر چند چندین سال داشته باشد (6).

زیبایی و زینت

از آنجا که زینت و زیبایی و آراستگی ظاهری موجب انبساط خاطر و شادی می گردد، پیشوایان دینی ما به زیبایی و زینت اهمیت بسیار داده و آن را در مناسبت های مختلف گوشزد می کردند. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شده که آن حضرت همواره در آئینه می نگریست و خود را مرتب می ساخت و می فرمود: خداوند دوست دارد وقتی بنده او برای دیدن برادران دینی اش از خانه بیرون می رود، خود را بیاراید.

امام صادق علیه السلام می فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله برای خرید عطر، بیش از طعام و غذا هزینه می کرد (7).

و نیز فرموده: یکایک شما در روز جمعه خود را بیارایید، شست و شو نمایید، خود را معطر سازید، شانه زنید و پاکیزه ترین

- 1- . كنز العمال، ج 3، ص 648.
- 2- . جامع السعادات، ج 2، ص 202.
- 3- . شرع و شادی، ص 61.
- 4- . غرر الحکم، ص 222.
- 5- . شرع و شادی، ص 63.
- 6- . جامع السعادات، ج 2، ص 292.
- 7- . مکارم الاخلاق، ص 43.

پیراهن خود را بپوشید و آماده نماز جمعه شوید (1).

در قرآن کریم آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ مِنَ الرِّزْقِ» (2)؛ بگو چه کسی زینت خدا و طیبیات از روزی را که برای بندگانش آفرید، حرام نموده است؟

حضرت علی علیه السلام می فرماید: اَلتَّجَمُّلُ مِنْ اَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ (3)؛ آرایش از اخلاق مؤمنان است.

امام حسن علیه السلام هرگاه برای اقامه نماز آماده می شد بهترین لباس خود را می پوشید، وقتی یاران وی سبب این کار را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من خود را برای او زینت می کنم (4).

فصل سوم: مصادیق شادی و احکام آنها

اشاره

شادی ها مصادیق مختلفی دارند که یکی از مهمترین آنها مجلس های شادی است. دین اسلام به بهانه های مختلف مردم را به برپایی مجالس شادی ترغیب و تشویق کرده است؛ مجالسی چون: عروسی، ولیمه، ختنه، اعیاد مذهبی، مولودی ها و بزرگداشتها مجالسی هستند که از نظر دین مورد عنایت واقع شده اند.

مجلس عروسی

در برخی روایات مطالبی درباره شیوه شادی در مجالس عروسی از جمله آواز خوانی و دف زدن وارد شده است که مضمون این روایات باید با در نظر گرفتن روایات بسیار دیگری که درباره نهی از لهو و لغو و غنا و موسیقی و استفاده از ابزار لهو وارد شده است لحاظ شود. فقهای بزرگوار که فتوا به حرمت غنا و موسیقی و جواز آن در برخی موارد جزئی و استثنائی داده اند با توجه به تمام آیات و روایات این باب بوده و تنها با دیدن يك روایت نمی توان حکم به حرمت یا حلیت امری یا چیزی نمود که از باب نمونه برخی از آنها را در اینجا می آوریم: امام محمدباقر علیه السلام فرمودند:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از محله بنی زریق عبور می کرد، هنگامی که صدای موسیقی شنید، پرسید: چه خبر است؟ گفتند: ای رسول خدا، فلانی عروسی کرده است. آن حضرت فرمود: دینش کامل شده است؛ این ازدواج است نه زنا، ازدواج نباید مخفیانه باشد، باید دودی به آسمان برود، یا صدای دایره ای بلند شود، فرق نکاح و زنا به نواختن دایره است (5).

شیخ طوسی در امالی آورده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار خانه علی بن هبّار عبور می کرد، صدای دف شنید، پرسید: چه خبر است؟ گفتند: علی بن هبّار عروسی دارد. حضرت فرمود: ازدواج خوبی است، زنانیست. سپس فرمود: پایه های ازدواج را محکم کنید و آن را آشکار کنید و دف بنوازید (6).

فیض کاشانی رحمه الله در کتاب محجه البیضا به نقل از غزالی آورده است: و يستحب اظهار النکاح، قال صلی الله علیه و آله: فصل ما بین الحلال و الحرام الدف و الصوت (7)؛ مستحب و پسندیده است که ازدواج، علنی و آشکار انجام شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: تفاوت میان ازدواج حلال و حرام، دایره زدن و خواندن است.

- 1- . من لايحضره الفقيه، ج 1، ص 64.
- 2- . اعراف / 32.
- 3- . غررالحكم، ج 1، ص 307.
- 4- . ميزان الحكمة، ج 7، ص 133.
- 5- . دعائم الاسلام، ج 2، ص 205.
- 6- . بحار الانوار، ج 103، ص 275.
- 7- . محججه البيضا، ج 3، ص 16.

از این روایات و بسیاری دیگر از احادیث در متون دینی چنین برمی آید که مجالس عروسی باید به کیفیتی باشد که شادی و سرور آن در حد محسوسی خودنمایی کند؛ به نحوی که مجلس عروسی بی سر و صدا مورد نکوهش قرار گرفته است. حال باید دید که آیا تأمین شادی مجلس عروسی به هر وسیله ای مجاز است؟ و یا اینکه این شادی دارای حد و مرزی معین است؟ اکثر فقهای شیعه غنا و موسیقی را حرام دانسته، تنها برخی از موارد را استثنا کرده و جایز مرده اند. یکی از آن موارد استثنا در عروسی است؛ آن هم با رعایت حد و حدودی که در ذیل به آنها اشاره می شود:

غنا در عروسی ها

علامه در کتاب «تذکره الفقهاء» و «قواعد»، محقق در کتاب «مختصر النافع»، شیخ طوسی در کتاب «نهاية»، شهید دوم در «دروس»، و «مسالك»، مقدس اردبیلی در «مجمع الفائدة و البرهان»، غنا را در عروسی ها استثنا کرده اند.

شیخ انصاری و امام راحل نیز غنا و آواز خواندن زنان را در عروسی ها در صورتی که با حرام دیگری آمیخته نشود، حلال دانسته اند. (1)

نویسنده کتاب جواهر، استثنای غنا را در عروسی ها پذیرفته، ولی می گوید: «سزاوار است که آوازخوان زن در مجالس زنانه باشد نه مرد» (2).

آیت الله خوئی رحمه الله نیز غنا و آواز برای زنان و مردان را در عروسی ها در صورتی که به حرام دیگری آمیخته نشود، مباح دانسته است (3).

علی بن جعفر نظر امام موسی بن جعفر علیه السلام را درباره غنا در اعیاد فطر و قربان و روزهای جشن و سرور پرسید. آن حضرت پاسخ داد: لا بَلْسَ بِهِ مَا لَمْ يَعْصَ بِهِ (4)؛ مادامی که با آن معصیت نشود، اشکالی ندارد.

در مراسم عروسی حضرت فاطمه علیها السلام ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، سرودی را زمزمه کرده است که مضمون آن به این شرح است: ای همسایگان، به یاری خداوند به همراه فاطمه حرکت کنید. و در همه حالات خدا را شکرگزار باشید. نعمتهای پروردگار را به یاد داشته باشید. و شکر آنها را - که خداوند از هر بدی و آفت محفوظ داشته - به جا آورید. خداوند ما را پس از کفر هدایت کرد. و پروردگار آسمانها به زندگی ما نشاط داد. به همراه بهترین زنان جهان حرکت کنید. که همه عمه ها و خاله ها به فدای او باد. ای دختر کسی که خداوند وی را به خاطر وحی و رسالت، بر همه عالمیان برتری داده است (5). آنچه در مسئله غنا و موسیقی در مجالس شادی قابل توجه است، این است که غنا و موسیقی مطرب و لهو نباشد و به تعبیر دیگر، انسان را از حالت طبیعی خارج نسازد. ملاک این که غنا و موسیقی لهوی است یا غیر لهوی، به عرف

ص: 17

1- . مکاسب محرمة، ج 1، ص 232.

2- . جواهرالکلام، ج 22، ص 50.

3- . مصباح الفقاهه، ج 1، ص 314.

4- . وسائل الشیعه، ج 17، ص 122.

5- . سرن بعون الله جاراتي واشكرنه في كل حالات و اذكرن ما انعم رب العلي من كشف مكروه و آفات فقد هدانا بعد كفر و قد انعشنا رب السماوات و سرن مع خير النساء الوري تغدى بعمات و حالات يا بنت من فضله ذوى العلي بالوحى منه و الرسالات بحارا الانوار، ج
103، ص 40

حضور داماد در مجلس زنانه

یکی از کارهایی که امروزه در عروسیها رسم شده، این است که داماد در مجلس زنانه و پیش عروس حاضر می شود و نیز از آنها عکس و فیلم تهیه می کنند. آیا این کار از نظر شرعی جایز است؟ آنچه از دیدگاه مراجع معظم تقلید بر می آید، این است که این کار اگر موجب نگاه به نامحرم نشود، اشکالی ندارد. ولی از آنجایی که مجالس زنانه حال و هوای خود را دارد و نگاه نکردن تقریباً امری غیر ممکن است، بهتر است این کار صورت نگیرد⁽¹⁾.

ص: 18

1- . برای توضیح بیشتر به استفتائات آیات عظام: خامنه ای، مکارم، فاضل، بهجت، و تبریزی رجوع شود.

پوشش، مسئله ای دینی و ملی است که متأسفانه به شایستگی رعایت نمی شود. برخی از اشخاص (دختر یا پسر) طوری لباس می پوشند که به راحتی می توان «آرم» چند کشور را از لباس های آنان به دست آورد. در واقع معجونی شده اند که هیچگونه اصالتی ندارند. از دیدگاه اسلام مسئله پوشش مورد عنایت خاصی واقع شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگو: در لباس، خوراک و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهید، که اگر چنین کنید شما هم مانند آنان، دشمنان خدا محسوب می گردید(1).

یکی از مصادیق فرهنگ غرب، کراوات زدن است که متأسفانه پس از دو دهه که از انقلاب شکوهمند ایران می گذرد، دوباره قبح آن شکسته شده و بصورت محسوسی در مجامع مختلف از آن استفاده می شود؛ مخصوصاً در مجالس عروسی و برای شخص داماد دارای اهمیت خاصی است. تقریباً همه مراجع معظم تقلید از بستن کراوات - به عنوان اینکه زی غیر مسلمین است - نهی فرموده اند(2).

اختلاط زن و مرد در مجلس عروسی

یکی دیگر از اموری که در مجالس شادی، مخصوصاً مجلس عروسی باید به آن توجه کرد، مسئله اختلاط زن و مرد و نیز ارتباط آنان با یکدیگر است. زن و مرد مسلمان و متدین می دانند که در اسلام برای اشخاص، حریمهای خاصی قرار داده شده و زن و مرد بصورت مطلق آزاد نیستند تا هرگونه که بخواهند، با جنس مخالف ارتباط برقرار کنند. در مجالس عروسی نیز آنچه جایز است و مشکل خاصی ندارد، ارتباط محرمانه با یکدیگر است، ولی نامحرمان باید حدود شرعی را مراعات کنند؛ بنابراین دختر عمو و دختر خاله و امثال آنها اگر خواهر رضاعی انسان نباشند، نامحرم بوده و اگر نگاه کردن و حرف زدن با آنها محل ربه باشد و انسان را دچار گناه کند، جایز نیست.

س: شرکت در عروسی ها و مجالسی که محرم و نامحرم مختلط هستند، چه صورت دارد؟(3)

آیت الله بهجت: با فرض اشتغال بر حرام یا مفسده، باید اجتناب شود و اختلاط زن و مرد هم جایز نیست.

آیت الله سیستانی: اگر به نحوی است که موجب مفسده و یا ارتکاب گناه است، جایز نیست.

آیت الله فاضل لنکرانی: جایز نیست و باید آنها را منع کرد.

آیت الله تبریزی: چنانچه اختلاط مرد و زن نامحرم همراه ارتکاب حرامی باشد، یا سبب تحریک شهوت بر حرام گردد جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی: در فرض مسئله که مجلس به صورت مجلس گناه در آمده و مجلس سالم اسلامی نیست، شرکت در آن حرام است.

عکاسی و فیلمبرداری از مجالس عروسی

یکی از مسائل مهم در عروسی ها مسئله فیلمبرداری و عکسبرداری است که از جهات گوناگون قابل بررسی می باشد. مهمترین این

مسائل از رساله اجوبة الاستفتائات به این شرح است:

س: هنگام جشن عروسی چند عکس از من گرفته شد که در آنها حجاب کامل نداشتم، این عکسها در حال حاضر نزد دوستان و اقوام من هستند، آیا جمع آوری آنها بر من واجب است؟

ج: اگر وجود عکسها نزد دیگران مفسده ای ندارد و یا بر فرض ترتب مفسده، شما در دادن عکسها به دیگران نقشی

ص: 19

1- . من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 252.

2- . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ص 85.

3- . همان، ص 146.

نداشته اید، یا جمع کردن آنها از دیگران برای شما مشقت دارد، تکلیفی در این باره ندارید(1).

س: آیا جایز است زن در جشنهای عروسی بدون اجازه شوهرش عکس بیندازد؟ و بر فرض جواز، آیا مراعات حجاب کامل در آن واجب است؟

ج: اصل عکس گرفتن منوط به اجازه شوهر نیست، ولی اگر احتمال بدهد که اجنبی عکس او را می بیند و عدم رعایت حجاب کامل، منجر به مفسده ای شود، مراعات آن واجب است(2).

س: اگر عروس در شب جشن عروسی روپوش روشن و نازکی بر سرش بیندازد، آیا جایز است مرد اجنبی از او عکس بگیرد؟

ج: اگر مستلزم نگاه حرام به زن اجنبی باشد، جایز نیست وگرنه اشکال ندارد(3).

س: فیلمبرداری و عکاسی در برخی از مجالس عروسی - که به علت لایابالیگری مسائل محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی شود - توسط عکاس زن - که شغلش این است - چه حکمی دارد؟

ج: مراعات کامل حجاب اسلامی در برابر نامحرم در هر حال لازم است و فیلمبرداری از مجالس زنانه یا از مجالس مختلط، اگر مستلزم نظر حرام یا موجب اشاعه فساد و ترتب مفساد باشد، جایز نیست(4).

برخی از مراجع نیز در جواب این سؤال فرموده اند: عکاسی زن اشکال ندارد، مشروط بر اینکه خودش مرتکب کار حرامی نشود(5).

مسائل متفرقه عروسی و ازدواج

برپایی مجالس عقد و عروسی در روزهای سوگواری معصومان نوعی بی احترامی به آنان محسوب می شود و شایسته نیست که مؤمن در آن روزها به برپایی چنین مجالسی مبادرت ورزد.

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که در شادی های ما شاد و در غم و اندوه ما غمگین می باشند. با این حال آیا می شود در ایام سوگواری معصومان به شادی پرداخت و یا مجلس عقد و عروسی برپا نمود؟

س: برپایی مجلس عقد یا عروسی در ایام و لیالی شهادت ائمه معصومین علیهم السلام و راه اندازی کاروانهای شادی که موجب هتک حرمت این ایام و مناسبتها می شود چه صورتی دارد؟(6)

آیت الله خامنه ای: اگر موجب توهین و هتک باشد، اجتناب لازم است.

آیت الله بهجت: در صورت صدق عنوان هتک، حکم آن نزد متشرعه واضح است.

آیت الله مکارم شیرازی: در فرض مسئله حرام است.

آیت الله صافی گلپایگانی: این گونه حرکات مناسب دوستان اهل بیت علیهم السلام نیست، مؤمنان باید از آن بپرهیزند.

آیت الله تبریزی: تزویج و عقد و عروسی در ایام سوگواری ائمه، برکتی ندارد و راه انداختن کاروان شادی در کوچه و خیابان در آن ایام جایز نیست و همچنین در غیر ایام سوگواری که معرض فساد است، جایز نیست.

حضرت امام رضا علیه السلام به «ریان بن شیب» فرمود: **إِنَّ سِرِّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَن**

ص: 20

1- . رساله اجوبة الاستفتاءات، ص 259.

2- . همان، ص 260.

3- . همان.

4- . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج 2، ص 82.

5- . همان، ص 84.

6- . همان، ص 49.

لَحْزُنًا وَاَفْرَحًا لِفَرَجِنَا(1)؛ اگر دوست داری در درجات عالی بهشت، همراه ما باشی، در حزن ما محزون و در شادی ما شاد باش.

استفتانات موسیقی و غنا

س: ملاك تمییز موسیقی حلال از حرام چیست؟ و آیا موسیقی کلاسیک حلال است؟

ج: هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش است باشد، موسیقی حرام محسوب می شود و فرقی نمی کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک، تشخیص موضوع هم موقوف به نظر عرف مکلف است و اگر موسیقی این گونه نباشد، بخودی خود اشکال ندارد(2).

س: منظور از موسیقی مطرب و لهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی مطرب و لهوی از غیر آن چیست؟ ج: موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگیهایی که دارد، انسان را از یاد خداوند متعال و فضایل اخلاقی دور نموده، به سمت بی بند و باری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع، عرف است(3).

گاهی در برخی محافل عروسی دیده می شود که از نوارهای ترانه خوانندگان زمان طاغوت استفاده می شود و وقتی تذکر داده می شود می گویند شخص مهم نیست و ما فقط به محتوای آن توجه می کنیم. حال واقعاً چنین است؟

س: آیا شخصیت نوازنده و محل نواختن و یا غرض و هدف از آن در حکم موسیقی تأثیر دارد؟

ج: موسیقی حرام، مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه است و گاهی شخصیت نوازنده یا کلام همراه آهنگ یا مکان و یا سایر شرایط در اینکه موسیقی تحت عنوان موسیقی مطرب و لهوی حرام و یا عنوان حرام دیگر قرار بگیرد، مؤثر است؛ مانند اینکه بر اثر آن امور، منجر به تربیت فساد شود(4).

برخی می گویند ملاك حرمت موسیقی تهییج است. پس اگر کسی تهییج نشود، هر چند از تمام انواع موسیقی ها استفاده کند، کار حرامی مرتکب نشده است. اما اینگونه نیست و گوش دادن به موسیقی مطرب و لهوی به هر صورتی که باشد گناه است.

س: آیا معیار حرمت موسیقی فقط مطرب و لهوی بودن آن است یا اینکه میزان تحریک و تهییج آن هم تأثیر دارد؟ و اگر باعث حزن و گریه شنونده شود چه حکمی دارد؟ خواندن و شنیدن غزلهایی که به صورت سه ضرب و همراه با موسیقی خوانده می شود، چه حکمی دارد؟

ج: ملاك آن ملاحظه کیفیت نواختن موسیقی با در نظر گرفتن همه خصوصیات و ویژگیهای آن است و اینکه از نوع موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه باشد، هر موسیقی که به حسب طبیعت خود، از نوع موسیقی لهوی باشد حرام است؛ اعم از اینکه مهییج باشد یا خیر و موجب ایجاد حزن و اندوه و حالات دیگر در شنونده بشود یا نه. هرگاه غزل هایی که همراه موسیقی خوانده می شوند، به صورت غنا و آواز لهوی مناسب مجالس لهو و لعب در آیند، خواندن و شنیدن آنها حرام است(5).

یکی از مواردی که در مجالس عروسی رایج است، مسئله آواز خواندن است. برخی از افراد به محض شنیدن هرگونه صدایی آن را حرام می دانند. به راستی غنا چیست؟ آیا هر غنایی حرام است؟ در مباحث فقهی بحث های مفصلی درباره غنا آمده است. آنچه مناسب این نوشتار می باشد، استفتاناتی است که در مورد غنا از مراجع شده و در يك جمع بندی

- 1- . بحار الانوار، ج 44، ص 285.
- 2- . رساله اجوبه الاستفتائات، آيت الله خامنه اي، ص 247.
- 3- . همان، ص 248.
- 4- . همان.
- 5- . همان.

می توان گفت که هر صدایی غنا نیست و غنای حرام دارای تعریف مشخصی است.

س: غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا اینکه شامل صداهای حاصل از آلات موسیقی هم می شود؟

ج: غنا عبارت است از صدای انسان، در صورتی که با ترجیع و طرب همراه بوده و مناسب مجالس لهو و گناه باشد. خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است(1).

حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته در استفتایی دیگر فرموده اند: غنا، خوانندگی مطرب و ملهی متناسب با مجالس عیش و نوش است و موسیقی، نوازندگی با همان اوصاف است و این دو در حکم با هم فرقی ندارند و هر دو حرام اند(2).

برخی از مراجع نیز در تعریف غنا گفته اند: غنا، آوازی است که در آن، صدا را در گلو می گردانند - که به زبان عرفی به آن چهچه می گویند - و طرب انگیز است و مناسب مجالس لهو و لعب بوده و حرام است و موسیقی به يك تعریف، ترکیب اصوات است به نحوی که خوش آیند باشد؛ بنابراین اگر مناسب مجالس لهو و لعب باشد حرام است(3).

بعضی دیگر گفته اند: کلیه صداها و آهنگهای مناسب مجالس لهو و فساد حرام است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود(4).

نظر یکی دیگر از مراجع این است: غنا، عبارت از آوازی است که مشتمل بر ترجیع صوت و طرب انگیز و مناسب با مجالس طرب باشد و موسیقی، گاه بر غنا و گاه بر آلات مختلف موسیقی مانند: تار، سنتور، دف و... اطلاق می شود. موسیقی را اگر به همان معنای غنا و آوازا و سازها و بکار گرفتن آنها بدانیم، فراگرفتن موسیقی که از قدیم الایام بین اهل لهو و بزم متداول بوده، در کشورها و مناطق مختلف انواعی از آن بکار برده می شد و می شود، همه حرام است(5).

در برخی مجالس عروسی و یا غیر عروسی؛ مانند اتوبوسها و تاکسی ها اگر به آهنگی اعتراض شود، در جواب گفته می شود که این آهنگ و یا مشابه آن را صدا و سیما نیز پخش می کند و یا وزارت ارشاد مجوز آن را صادر کرده است. آیا صرف پخش از صدا و سیما و یا داشتن مجوز از وزارت ارشاد موجب حلیت موسیقی می شود؟ حضرت امام خمینی قدس سره در پاسخ به سؤالی در این باره چنین فرموده اند:

س: به نظر حضرتعالی استماع آهنگهایی که از صدا و سیما پخش می شود چگونه است؟ ج: موسیقی مطرب جایز نیست و آهنگهای مشکوک اشکال ندارد(6).

مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالی چنین می گویند:

س: آیا استماع تمام برنامه های صدا و سیما از نظر شرعی جایز است یا خیر؟

جواب: در برنامه های صدا و سیما ممکن است مواردی منطبق بر موازین شرعی نباشد و تشخیص موضوع بر عهده شخص شنونده یا بیننده است. اگر تشخیص دهد که این موسیقی مطرب لهوی است، یا این برنامه مفسده انگیز است، نباید گوش کند و ببیند(7).

س: با توجه به کیفیت فیلم ها (خارجی یا داخلی) و موسیقی هایی که از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می شود، دیدن و گوش دادن به آنها چه حکمی دارد؟

- 1- . همان، ص 249.
- 2- . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ص 48.
- 3- . همان، به نقل از جامع المسائل آیت فاضل لنکرانی.
- 4- . همان.
- 5- . همان، به نقل از جامع الاحکام، آیت الله صافی گلپایگانی.
- 6- . همان، ص 65.
- 7- . همان، ص 62.

ج: اگر افراد شنونده و بیننده تشخیص دهند موسیقی ای که از رادیو و تلویزیون پخش می شود، از نوع موسیقی مطرب لهوری مناسب با مجالس لهور و گناه است و یا دیدن فیلمی که از تلویزیون پخش می شود، مفسده دارد، دیدن و شنیدن آنها برای آنها جایز نیست و مجرد پخش از رادیو و تلویزیون حجت شرعی برای جواز محسوب نمی شود (1).

س: گاهی از رادیو و تلویزیون آهنگهایی پخش می شود که به نظر من مناسب مجالس لهور و فسق هستند. آیا بر من واجب است که از گوش دادن به آنها خودداری نموده و دیگران را هم از آن منع کنم؟

ج: اگر آنها را از نوع موسیقی مطرب و لهوری مناسب با مجالس لهور می دانید، جایز نیست به آنها گوش دهید، ولی نهی دیگران از باب نهی از منکر منوط به این است که احراز نمایید آنان هم آهنگهای مزبور را از نوع موسیقی حرام می دانند (2).

معمولاً در عروسیها برخی از خواننده های زن ترانه می خوانند و بعضی از متدینین ناراحت شده، با اعتقاد به اینکه شنیدن صدای زن حرام است، به خوانندگان و بانیان مجالس اعتراض می کنند. به راستی آیا اینگونه است؟ س: گوش دادن به صدای زن، هنگامی که شعر و غیر آن را با آهنگ و ترجیع می خواند، اعم از اینکه شنونده جوان باشد یا پیر، مذکر باشد یا مؤنث چه حکمی دارد؟ و اگر آن زن از محارم باشد، حکم آن چیست؟ ج: اگر صدای زن به صورت غنا نباشد و گوش دادن به صدای او هم به قصد لذت و ریبه نبوده و مفسده ای هم بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد و فرقی بین موارد فوق نیست (3).

اخیراً در بسیاری از محافل و مجالس، مخصوصاً عروسیها رسم شده که از انواع موسیقیها و رقصها استفاده می شود و اگر کسی تذکر دهد، می گویند موسیقی سنتی است و اشکال ندارد. آیا قضیه چنین است و موسیقی سنتی جایز است؟

س: آیا موسیقی سنتی که میراث ملی ایران می باشد حرام است یا خیر؟

ج: چیزی که از نظر عرف، موسیقی لهوری مناسب با مجالس لهور و معصیت محسوب می شود، بطور مطلق حرام است و در این مورد فرقی بین موسیقی ایرانی و غیر ایرانی و موسیقی سنتی و غیر آن نیست (4).

فصل چهارم: آلات و ابزار شادی آفرین

اشاره

یکی از مباحثی که در کتب فقهی به صورتی مفصل مورد بحث واقع شده، مسئله ابزار و آلات موسیقی است که در این باره روایات فراوان و مختلفی وارد شده است. برخی تمام ابزارها را مورد نهی قرار داده و بعضی دیگر بین آنها تفصیل داده اند. آنچه به عنوان اجمال و در حد این نوشتار می توان بیان کرد، این است که از این ابزار، هم استفاده حلال می گردد و هم استفاده حرام. خرید و فروش به قصد استفاده حلال از آن مشکل خاصی ندارد. ولی مسئله گوش کردن به آنها تابع مسئله شنیدن موسیقی و غنا است که اگر موسیقی مطرب بوده و مناسب با مجالس لهور و لعب و گناه باشد، بوسیله هر ابزاری که نواخته شود، شنیدن آن جایز نیست.

س: معمولاً مرسوم است که در جشنواره های هنری کشوری و منطقه ای و... از گروههای سرود آن هم با ادوات و ابزاری مانند: دوتار، شش تار، پیانو، تنبک، دایره، دف و... استفاده می شود در این رابطه حکم الله را بیان فرمایید؟

ج: اگر در نظر شنونده از قسم خوانندگی و نوازندگی مطرب لهوری که غالباً در مجالس لهور و گناه از آن استفاده می شود

1- . رساله اجوبه الاستفتاءات، ص 250 و 261.

2- . همان، ص 250.

3- . همان، ص 252.

4- . همان، ص 253.

نباشد، گوش دادن به آن اشکال ندارد و گرنه جایز نیست(1).

س: خرید و فروش آلات موسیقی چه حکمی دارد؟ و حدود استفاده از آنها کدام است؟

ج: خرید و فروش آلات مشترک برای نواختن موسیقی غیر لهوی اشکال ندارد(2).

س: آلات موسیقی که دانش آموزان مدارس عضو گروه‌های سرود آموزش و پرورش از آن استفاده می‌کنند، چه حکمی دارند؟

ج: آن دسته از آلات موسیقی که در نظر عرف از آلات مشترک قابل استفاده برای کارهای حلال محسوب می‌شوند، جایز است که بطور غیر لهوی و برای مقاصد حلال به کار گرفته شوند، ولی آلاتی که عرفاً از آلات مخصوص لهو محسوب می‌شوند، جایز نیست مورد استفاده قرار گیرند(3).

س: آیا ساخت سنتور - که از آلات موسیقی محسوب می‌شود - و کسب درآمد با آن به عنوان شغل جایز است؟ آیا بهره‌گیری از اموال و کمک به ساخت سنتور به منظور توسعه و تکمیل صنعت سنتور سازی و تشویق نوازندگان به نواختن آن جایز است؟ و آیا آموزش موسیقی سنتی ایرانی به قصد نشر و احیای موسیقی اصیل جایز است؟

ج: استفاده از آلات نوازندگی موسیقی برای اجرای سرودهای ملی یا انقلابی یا هر امر حلال و مفیدی تا زمانی که به حد طرب و لهو مناسب با مجالس لهو و معصیت نرسیده اشکال ندارد. همچنین موسیقی و تعلیم و یادگرفتن و ساختن آلات آن برای اهداف مذکور، فی نفسه اشکال ندارد(4).

س: چه آلاتی لهو محسوب می‌شوند و استفاده از آنها به هیچ وجه جایز نیست؟

ج: آلاتی که نوعاً در لهو و لعب به کار می‌روند و منفعت حلالی در بر ندارند(5).

گاهی مشاهده می‌شود در عروسیها به جای استفاده از ضرب و تنبک، از طشت و سطل استفاده می‌شود و برخی چنین می‌پندارند که چون این وسایل از آلات موسیقی نیستند، پس هر گونه استفاده از آنها جایز است.

س: آیا زدن بر ظرفها و سایر وسایلی که جزء آلات موسیقی نیستند، در عروسی‌ها توسط زنان جایز است؟ اگر صدا به بیرون از مجلس برسد و مردان آن را بشنوند چه حکمی دارد؟

ج: جواز این عمل بستگی به کیفیت نواختن دارد. اگر به شیوه متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهو محسوب نشود و فساد هم بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد(6).

س: دف زدن توسط زنان در عروسی‌ها چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی و مطرب جایز نیست، اما آوازخوانی در مجالس عروسی، بعید نیست برای زنان جایز باشد(7).

بنابراین استعمال آلات و ابزاری که هنرمندان برای پرداختن و تنظیم سرودهای مفید در بعد اخلاقی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و مذهبی

حلال به کار می گیرند، بی اشکال است؛ زیرا در این صورت این آلات و ابزار، آلات مشترک می شوند که هرگاه برای تنظیم و پرداختن به سرودهای مفید به کار گرفته شوند، حلال و هرگاه در سرودهای لهوی و بی فایده

ص: 24

1- . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ص 61.

2- . رساله اجوبة الاستفتائات، ص 252.

3- . همان، ص 255.

4- . همان، ص 255.

5- . همان، ص 256.

6- . همان ص 249.

7- . همان.

به کار گرفته شوند، حرام خواهند بود.

البته این حکم اختصاص به آلات لهو ندارد و شامل صدای انسان و غیر او نیز می شود. خوانندگی زنان در مجالس شادی یکی از اموری که این روزها در حال رواج گرفتن است و به صورت رسم درآمده، خوانندگی زنان در مجالس زنانه است (روضه یا مولودی)؛ در اینگونه مجالس صدای زنان خواننده با بلندگو پخش شده و معمولاً در کوچه و خیابان به گوش نامحرمان می رسد و چه بسا موجب تحریک آنان می شود. آیا این گونه مجالس جایز است؟ همه مراجع عظام در این باره اتفاق نظر دارند که اگر این صداها موجب تحریک شده، انسان را در معرض فساد اخلاقی قرار دهد جایز نیست (1).

مزد خوانندگان

مزدی که زنان خواننده در عروسیها می گیرند هیچ اشکالی ندارد. برخی روایات این مسئله را بیان کرده اند که دو نمونه زیر از آن دسته اند:

1. امام صادق علیه السلام در مورد درآمد زنان خواننده می فرماید: *أَجْرُ الْمُغَنِّيَةِ الَّتِي تَزُفُّ الْعَرَّائِسَ لَيْسَ بِهٖ بَأْسٌ وَبِالَّتِي يَدْخُلُ عَلَيْهِ الرَّجَالُ (2)*؛ مزدی که به زن خواننده در عروسیها داده می شود اشکال ندارد؛ زیرا در عروسیها فقط زنان حضور دارند و مردان نیستند.

2. در روایت دیگر فرمود: *الْمُغَنِّيَةُ تَزُفُّ الْعَرَّائِسَ لِابْسٍ بِكَسْبِهَا (3)*؛ از درآمد زنی که در عروسیها می خواند، منعی نیست. رقص و دست افشانی رقص در لغت به معنای لعب، بازی، اضطراب و بالا و پایین رفتن است و در اصطلاح، رقص به حرکات موزون جسمانی گفته می شود که به طور فردی یا گروهی و متناسب با وزن ها و آهنگهای موسیقی و به منظور

خاصی انجام می گیرد. رقص در فرهنگ غرب، هنر محسوب می شود.

از این دیدگاه رقص به معنای احساس و بیان رابطه انسان با طبیعت، جامعه، آینده و خدایان است. انسان با مشاهده ارکانی که در سیر و حرکتی موزون است، معانی و تعاریف خاصی از آن نموده است.

در فرهنگ هندی «شیوا» خدای رقص و حرکات اعضای بدن او همان حرکت کیهانی است. در مذاهب هند، رقص مذهبی بیان کننده این معنی است که جسم نیز می تواند مقدس باشد.

در آفریقا نیز آداب و رسوم خاصی برای رقص وجود دارد؛ رقصان هنگام رقص، صورتکهایی به چهره زده و پرهایی را روی کلاههای خود نصب می کنند. به این نیت که نیرویی فوق طبیعت از طریق کار و تلاش و جنس و حرکات گروهی تولید می شود و به این وسیله، بشر خود را به طبیعت پیوند می دهد.

رقص را به شکل ها و روشهای مختلف می توان در فرهنگهای گوناگون تقسیم بندی کرد. برخی از انواع رقص عبارتند از:

1. رقص کودکانه. 2. رقص صوفیانه (سماع). 3. رقص محلی. 4. رقص ورزشی. 5. رقص مبتذل. 6. رقص شادی. رقص کودک؛ نشان شادی و وجد او است و در واقع رقص کودک بروز حالت شادی درونی اوست. این رقص برای بزرگترها نیز نشاط انگیز است. در بحارالانوار مواردی از رقصهای کودکانه بچه های کوچک آمده است (4) و از آنجا که کودکان مکلف نیستند، رقص آنان نیز حکم خاصی ندارد.

س: اگر در مجلس عقد و عروسی، بچه‌ها برقصند و مردان دیگر دست بزنند، جایز است؟

ج: بچه‌ها تکلیف ندارند و حکم دست زدن هم اگر به نحو غنایی نباشد اشکال ندارد.

ص: 25

1- . همان، ص 69.

2- . وسائل الشیعه، ج 17، ص 121.

3- . همان.

4- . بحارالانوار، ج 43، ص 286.

س: رقص كودك ممیز در مجالس زنان یا مردان، اعم از اینکه پسر باشد یا دختر، چه حکمی دارد؟

ج: كودك غیر بالغ، چه پسر و چه دختر تکلیفی ندارد. ولی سزاوار نیست افراد بالغ او را تشویق به رقص کنند(1).

رقص محلی؛ در برخی از مناطق رقصهایی هست که در مناسبتهای شادی اجرا می شود؛ مانند چوب بازی و... این رقصها اگر تحریک کننده نباشد و به صورتی مختلط و دارای مفسده نباشد بی اشکال است.

س: آیا رقص محلی در عروسی ها جایز است؟ شرکت در این مجالس چه حکمی دارد؟

ج: اگر رقص بگونه ای باشد که باعث تحریک شهوت شده و یا مستلزم فعل حرام یا ترتب مفسده ای باشد، جایز نیست و شرکت در مجالس رقص هم اگر به عنوان تأیید کار حرام دیگران محسوب شود و یا مستلزم کار حرامی باشد، جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد(2).

س: رقص محلی مرد برای مرد و زن و یا مرد در بین زنان و زن در بین مردان چه حکمی دارد؟

ج: اگر به گونه ای باشد که شهوت را تحریک کند و یا مستلزم فعل حرام یا ترتب مفسده ای باشد و یا زن در بین مردان بیگانه برقصد، حرام است(3).

س: دبکه چه حکمی دارد؟ (نوعی رقص محلی است که در آن افراد دستها را به هم انداخته و بگونه ای هماهنگ پاهای خود را همراه با پرش و حرکات بدنی به زمین می کوبند که صدای شدید و منظمی ایجاد می کند).

ج: دبکه حکم رقص را دارد؛ بنابراین اگر به گونه ای باشد که شهوت را تحریک کند، یا همراه با استفاده از آلات لهو و به صورت لهوی باشد و یا فسادی بر آن مترتب شود، حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد(4).

رقص ورزشی؛ در برخی مناسبتهای ورزشی برخی ورزش کاران، دست و پا و تمام بدن خود را برای هدف ورزشی به حرکت در می آورند، مثلا در زورخانه ها، چرخیدن همراه با ضرب و آهنگ انجام می شود؛ این نوع چرخیدن همراه با ضرب مرشد، از آنجایی که محرك شهوت نمی باشد و هیچ مفسده ای بر آن مترتب نیست، اشکال ندارد.

رقص مبتذل؛ تمام رقصهایی که مفسده انگیز و باعث هتك حرمت انسان و باعث تهییج شهوت او باشد، رقص مبتذل بوده و در حرمت آن هیچ شکی وجود ندارد.

رقص شادی (معمولی)؛ در این نوع رقص که در مناسبتهای شادی انجام می شود، زن ها در میان زنان و مردها در میان مردان می رقصند. در رابطه با این نوع رقص احکام و فتاوی گوناگونی وجود دارد که می توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

1. گروهی از مراجع به صورت مطلق آن را حرام می دانند(5).

2. برخی از مراجع بین موارد این رقص تفصیل قائل شده اند؛ یعنی رقص مرد در میان مردان را نهی می کنند، در خصوص رقص زن در میان زنان احتیاط کرده و رقص کودکان و دست زدن بزرگترها را بی اشکال می دانند.

3. برخی از مراجع رقص را تا زمانی که فساد بر آن مترتب نشود جایز می دانند. از دیدگاه این مراجع رقص زن برای زنان و مرد برای مردان اگر متضمن مفسده نباشد جایز است. س: آیا رقص و دست زدن مرد در میان مردان و زن در میان زنان در مناسبتهای شادی مثل عروسی جایز است؟

ص: 26

1- . رساله اجوبه الاستفتائات، ص 257.

2- . همان، ص 256.

3- . همان.

4- . همان، ص 258.

5- . حضرات آیات اراکی، وحید خراسانی، تبریزی.

ج: فی نفسه اشکال ندارد، اگر متضمن حرامی مثل اختلاط زن و مرد و مانند آن نباشد. و الله العالم(1).

سؤال: رقص زن برای زن و رقص مرد برای مرد چگونه است؟

ج: رقص برای جنس موافق، با همراه نبودن محرمات دیگر مانعی ندارد(2).

س: حکم نشستن زن در تالارها و مجالس عروسی چیست، در صورتی که خانمی مشغول رقص باشد؟

ج: اگر جهت مُحَرَّمی در کار نباشد مانعی ندارد(3).

س: آیا رقص زن برای شوهرش یا مرد برای همسرش حرام است؟

ج: اگر رقص زن برای شوهرش یا برعکس، همراه ارتکاب حرامی نباشد، اشکالی ندارد(4).

س: رقص دسته جمعی مردان چه حکمی دارد؟ مشاهده رقص دختران خردسال از تلویزیون و غیر آن چه حکمی دارد؟

ج: اگر رقص بگونه ای باشد که موجب تحریک شهوت شود و یا مستلزم کار حرامی باشد، حرام است؛ ولی اگر نگاه کردن به آن باعث تأیید فرد گناهکار و تجرّی او و ترتب فساد نشود، اشکال ندارد(5).

س: رقص مرد برای مرد و زن برای زن چه حکمی دارد؟ اگر رفتن به عروسی به خاطر احترام به عاداتهای اجتماعی باشد، آیا به علت احتمال وجود رقص اشکال شرعی دارد؟

ج: بطور کلی اگر رقص بگونه ای باشد که منجر به تحریک شهوت شود، یا مستلزم فعل حرام یا ترتب مفسده ای باشد، حرام است؛ ولی اصل شرکت در عروسی هایی که احتمال رقص در آنها وجود دارد، تا زمانی که به عنوان تأیید، مرتکب کار حرام محسوب نشود و موجب ابتلا به حرام هم نشود اشکال ندارد.

س: رقص زنان در برابر مردان در مجالس عروسی روستایی که آلات موسیقی در آنها بکار می رود، چه حکمی دارد و تکلیف ما در برابر آن چیست؟

ج: رقص زنان در برابر بیگانگان و همچنین هر رقصی که موجب مفسده و برانگیخته شدن شهوت گردد، حرام است و بکارگیری آلات موسیقی و گوش دادن به آنها هم اگر به صورت لهوی و مطرب باشد، حرام است و وظیفه مکلفین در این موارد، نهی از منکر است.

س: رقص مردان در برابر زنانی که از محارم آنها هستند و همچنین رقص زنان در برابر مردانی که از محارم آنان هستند، اعم از اینکه سببی باشند یا نسبی، چه حکمی دارد؟

ج: در رقص حرام فرقی بین مرد یا زن نیست و همچنین فرقی نمی کند که در برابر محرم باشد یا در برابر نامحرم.

س: آیا رقصیدن در جشن عروسی فرزندان جایز است؟ هر چند توسط پدران یا مادران در مجالس عروسی فرزندان باشد؟

ج: اگر از نوع رقص حرام باشد، حرام است؛ هر چند توسط پدران و مادران در مجالس عروسی فرزندانشان باشد.

س: ایجاد مرکزی برای آموزش رقص چه حکمی دارد؟

ج: ایجاد مراکز تعلیم و ترویج رقص با اهداف نظام اسلامی منافات دارد(6).

کف زدن

ص: 27

-
- 1- . منية السائل، آیه الله خویی، ص 180.
 - 2- . جامع المسائل، آیه الله فاضل لنکرانی، ص 486.
 - 3- . همان.
 - 4- . رساله اجوبة الاستفتائات، آیه الله خامنه ای، ص 257.
 - 5- . همان.
 - 6- . همان.

در مورد دست زدن و سوت زدن در قرآن چنین آمده است: «وَمَا كَانَ صَدْرُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَنَصِيدَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (1)؛ و نمازشان در خانه خدا جز سوت کشیدن و کف زدن نبود، پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید. این آیه خطاب به مشرکان است؛ آنان در خانه خدا به جای نماز و عبادت و دعا، دست می زدند و سوت می کشیدند. به همین جهت خداوند متعال این کار آنان را زشت شمرد. برخی، این آیه را به گونه ای دیگر تفسیر کرده اند. آنان می گویند مردم مسلمانی که با آداب تمام و کامل، خانه خدا را زیارت می کنند و یا در مساجد با احترام عبادت می کنند، اما در مناسبتهای شادی و یا برای تشویق افراد، کف می زنند، مصداقی از این آیه هستند. بعضی از این بزرگان می نویسند: تبدیل صلوات به کف و سوت در مجامع امروزی، پرتوی از تبدیل نماز به سوت و کف زدن آنهاست (2).

بسیاری از فقها می گویند که کف زدن اگر به نحو غنایی نباشد، اشکال ندارد. یکی از این فتاوا عبارت است از:

دست زدن در مجالس جشن و سخنرانی، جهت تشویق افراد، اگر به حد لهو نرسد، مانعی ندارد (3).

س: دست زدن و کف زدن به جهت شادی در عروسی یا برای تشویق یا برای اعیاد و میلاد معصومین چه حکمی دارد؟

ج: کف زدن در صورتی که در مسجد و یا حسینیه نباشد، مانعی ندارد (4).

آیت الله اراکی رحمه الله درباره دست زدن و کف زدن در مجالس جشن و سخنرانی فرموده اند: «اگر دست زدن برای تشویق امر مشروع باشد ظاهراً اشکال ندارد.» و نیز در پاسخ به استفتائی در این باره فرموده اند: «بعید نیست که اگر معنون به عنوان عقلائی باشد، (از نظر عقل دارای توجیه باشد) مانعی نداشته باشد و همراه با محرمات دیگر نباشد» (5).

س: دست زدن در مجالس عروسی و غیره چه حکمی دارد؟ اگر همراه با دست، قابلمه و تشت زده شود، چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد (6).

س: آیا دست زدن برای زنان در مجالس شادی زنانه مانند ولادتها و عروسی ها جایز است؟ و بر فرض جواز، اگر صدای آن به بیرون از مجالس برود، بطوری که به گوش مردان بیگانه برسد چه حکمی دارد؟

ج: دست زدن به نحو متعارف اگر مفسده ای بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد؛ حتی اگر اجنبی صدای آن را بشنود (7).

یادآوری این مطلب لازم است که اگر دست زدن با نوار ترانه یا آهنگ هایی همراه شده باشد که مجلس را به مجلس عیش و نوش تبدیل کند، حرام است. دست زدن در اعیاد و مولودیهای معصومان علیهم السلام

س: دست زدن همراه با شادی و خواندن و ذکر صلوات بر پیامبر اکرم و آل او علیهم السلام در جشنهایی که به مناسبت ایام ولادت ائمه و اعیاد وحدت و مبعث برگزار می شود چه حکمی دارد؟ اگر این جشنها در مکانهای عبادت مانند مسجد و نمازخانه های ادارات و مؤسسات دولتی و یا حسینیه ها برگزار شوند، حکم آنها چیست؟

ج: بطور کلی کف زدن فی نفسه به نحو متعارف در جشنهای اعیاد، یا برای تشویق و تأیید و مانند آن اشکال ندارد؛

- 1- . انفال / 35.
- 2- . تفسير نور، ج 4، ص 331.
- 3- . رساله توضيح المسائل، آيت الله بهجت مسائل متفرقه، مسئله 30.
- 4- . جامع المسائل، فاضل لنكراني، ص 486.
- 5- . استفتانات، ص 256، س 14.
- 6- . جامع المسائل، فاضل لنكراني، ص 486.
- 7- . اجوبة الاستفتانات، ص 258.

ولی بهتر است فضای مجالس دینی بخصوص مراسمی که در مساجد و حسینیه ها و نمازخانه ها برگزار می شود، به ذکر صلوات و تکبیر معطر گردد تا انسان به ثواب آنها برسد(1).

س: در بعضی از مناطق، زنان مراسمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل علیه السلام برای اجرای برنامه هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه علیها السلام برگزار می کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می زنند و سپس شروع به رقص می کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟

ج: برگزاری این جشنها و مراسم اگر همراه با ذکر اکاذیب و مطالب باطل نبوده و موجب وهن مذهب نشود، فی نفسه اشکال ندارد و اما رقص اگر به گونه شهوت انگیز یا مستلزم فعل حرام باشد، جایز نیست(2).

س: متأسفانه کف زدن در مجالس اهل بیت با مسائل جدیدی مانند سوت زدن، خوانندگی سبک و بعضاً مبتذل برخی مداحان، موسیقی و احیاناً نوازندگی به صورت زنده، حتی در برخی مساجد و تکایا همراه گشته که به مرور زمان خوف آن است که این مجالس - که باید مظهر تقوا و معنویت باشد - به محافل لهو تبدیل گردد. در بعضی مجالس ماکت خانه کعبه و حرم حسینی را ساخته و اطراف آن به کف زدن و برخی حرکات دیگر می پردازند که نوعی توهین تلقی می شود. خواهشمند است توصیه خود را در مورد مسائل فوق بیان فرمایید.

در پاسخ به این سؤال، مراجع معظم تقلید نوعاً کف زدن را هتک حرمت معصومان و یا اماکن مقدسه می دانند و آن را جایز نمی دانند(3).

فصل پنجم: اعیاد

اشاره

لازمه شاد بودن در شادی های اهل بیت علیهم السلام این است که در چنین مناسبتهایی، مجالس شادی برگزار شود و این ایام گرامی داشته شود تا شادی های زندگی به شادی اهل بیت علیهم السلام پیوند بخورد.

برخلاف سنت های غلطی که در میان برخی جوامع اسلامی رواج دارد و فکر می کنند در روزهای شادی، هر کاری را که خواسته باشند، می توانند انجام دهند و روزهای شادی را روزهای لهو و خوشگذرانی می دانند، ائمه معصوم علیهم السلام در چنین روزهایی ضمن شادی و سرور برنامه هایی داشتند که از مجموع آنها چنین برمی آید که در روزهای شادی، نه تنها تکالیف شرعی نباید تعطیل شود، بلکه تکلیف و عبادت بیش از روزهای دیگر است و اصولاً چنین روزهایی روز عبادت و بندگی است، نه روز غفلت و بی خبری. برخی از برنامه های معصومان در این روزها عبارتند از:

1. تکبیر و تهلیل گفتن؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زَيْنُوا اَعْيَادَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ؛ عیدهای خود را به گفتن الله اکبر آراسته کنید. آن حضرت وقتی برای اقامه نماز عید به سمت مصلی حرکت می کرد، از منزل تا مصلی با صدای بلند الله اکبر و لا اله الا الله می فرمود(4).

ص: 29

2- . همان، ص 324.

3- . آیت الله لنکرانی: کف زدن در اماکن مذهبی و در مجالس مربوط به اهل بیت، در صورتی که هتک تلقی گردد جایز نیست و همین طور است سوت زدن و هورا کشیدن. آیت الله بهجت: احتیاط خوب است و این امور مناسب مجالس اهل بیت نیست و اگر به حد لهو برسد و یا هتک معصوم یا مکان باشد، جایز نیست. آیت الله سیستانی: اگر مطلب چنین باشد که نوشته اند و عرفاً مستوجب هتک باشد، جایز نیست. آیت الله مکارم: در مساجد و حسینیه ها ترك شود. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج 1، ص 168

4- . میزان الحکمة، ج 7، ص 133.

2. پوشیدن لباس پاکیزه؛ پیشوایان پاک علیهم السلام در زمانهای خاصی همچون عید غدیر و بعضی از اعیاد اسلامی، لباس نوبر تن می کردند. امام صادق علیه السلام فرموده: لازم است شخص مؤمن در روز عید غدیر، پاکیزه ترین و مناسب ترین لباس خود را بپوشد (1).
3. تبسم و خنده؛ امام رضا علیه السلام فرموده: روز عید غدیر، روز تبسم بر مؤمنان است. کسی که در این روز به روی برادر مؤمن تبسم کند، خداوند در روز قیامت نظر رحمت بر او می افکند (2).
4. تبریک و تهنیت گفتن؛ تبریک و تهنیت گفتن از برجسته ترین آداب هر عیدی است و در اسلام جایگاه ویژه ای دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر تبریک گفتن در روز عید غدیر - در آن روز که حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب فرمود و این دستور الهی را به مردم ابلاغ کرد - تأکید می ورزید و به مردم می فرمود: هتُّونی هتُّونی؛ به من تبریک بگویند (3).
5. دعا و روزه؛ در بسیاری از اعیاد به دعا و روزه سفارش شده است. شیخ طوسی رحمه الله روایت کرده است که توقیعی به دست «قاسم بن علای همدانی»، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام رسید مبنی بر اینکه روز سوم شعبان، سالروز ولادت امام حسین علیه السلام روزه بدارد و این دعا را بخواند: اللهم انی اسئلك بحق المولود فی هذ الیوم... (4).
6. نماز؛ از دیگر ویژگی های اعیاد اسلامی، «نماز و عبادت» است. در روز جمعه، نماز جمعه و در عید فطر و قربان، نماز مخصوص عید و در عید غدیر نماز خاص سفارش شده است.
7. عطر زدن؛ از جمله سنتهای پسندیده که همیشه، مخصوصاً در ایام عید و شادی مطلوب است، عطر زدن است. امام صادق علیه السلام فرمود: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يَنْفِقُ فِي الطَّعَامِ (5)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای عطریات، بیش از غذا و خوراکی پول خرج می کرد.
8. اطعام و تنوع در غذا؛ یکی از مظاهر شادی ها در سیره معصومان ایجاد تنوع در غذا و میوه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: اطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِّنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ (6)؛ برای خانواده های خود در هر جمعه مقداری میوه و گوشت خریداری نمایید، تا با خوردن میوه و غذاهای خوشمزه در روز جمعه خوشحال شوند.
- علامه مجلسی رحمه الله می نویسد: در یکی از سالها که روز عید غدیر با روز جمعه مصادف شده بود، حضرت علی علیه السلام بعد از نماز جمعه با فرزندان و گروهی از یارانش به منزل امام حسن علیه السلام جهت اطعامی - که حضرت بدین مناسبت تدارک دیده بود - رفتند (7).
9. حضور در تجمعات؛ یکی دیگر از اعمال و آداب عید، گردهمایی و تشکیل مجلس است. امام علی علیه السلام فرمود: ... واجمعوا یجمع الله شملکم... (8)؛ در روز عید غدیر گرد هم آید تا خداوند نابسامانی شما را درمان کند.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به دختران و زنان پرده نشین خود بگویند تا روزهای عید در جمع مسلمین حاضر

- 2- . المراقبات، ص 257.
- 3- . الغدير، ج 1، ص 274.
- 4- . منتهى الآمال، ج 1، ص 281.
- 5- . وسائل الشيعة، ج 2، ص 146.
- 6- . التهذيب، ج 9، ص 100.
- 7- . بحار الانوار، ج 94، ص 112.
- 8- . مصباح المتعجب، شيخ طوسي، ص 756.

10. شب زنده داری؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که شبهای عید را احیا بدارد، در روز قیامت دل او زنده خواهد بود(2).

11. صلّه و هدیه؛ یکی دیگر از سنتهای پسندیده معصومان در روزهای شادی، دادن هدیه، عیدی و صلّه است. در جریان ولایتعهدی امام رضا علیه السلام هر کدام از شعرا اظهار وجد و سرور نموده، اشعاری را در مناقب امام رضا علیه السلام سرودند. ابونواس نیز شعر معروف خود را اینگونه بیان کرد:

مطهرون نقیات ثیابهم تتلى الصلوة عليهم اينما ذكروا

من لم تكن علويا حين نسبه فما له في قديم الدهر مفتخر

فانتم الملاء الاعلى و عندكم علم الكتاب و ماجئت به السور

یعنی آنها پاکان و پاکدامنانی هستند که هر جا نام ایشان برده می شود، باید درود و سلام بر آنها فرستاد.

و اگر نسبتها را حساب کنند، کسی که علوی نباشد افتخاری ندارد.

آن گروه بلند مرتبه شما هستید و علم کتاب و آنچه که در سوره های قرآن نازل شده، نزد شماست. امام رضا علیه السلام بخاطر این شعر 300 دینار و يك اسب به ابونواس هدیه کرد(3).

هدایای امام رضا علیه السلام به دعبل خزاعی، امام سجاد علیه السلام به فرزندق شاعر و امام باقر علیه السلام به میت بن زید اسدی از این گونه موارد است.

اعمال روز عید فطر

روز اول ماه شوال، عید فطر است که اعمال آن چند چیز می باشد:

اول: خواندن تکبیرات معروف، بعد از نماز صبح و نماز عید.

دوم: پرداختن زکات فطره پیش از نماز عید، به مقدار يك صاع (سه کیلو) برای هر نفر و پرداخت زکات فطره واجب است و شرط قبولی روزه ماه رمضان و سبب حفظ انسان تا سال دیگر است.

سوم: غسل است که هنگام آن پس از طلوع فجر است تا زمان به جا آوردن نماز عید.

چهارم: پوشیدن لباس نیکو و پاکیزه و بکار بردن بوی خوش و رفتن به صحرا - در غیر مکه - برای ادای نماز عید در زیر آسمان.

پنجم: افطار پیش از نماز، که بهتر آن است به خرما یا شیرینی باشد. شیخ مفید می گوید: مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهداء علیه السلام که برای هر دردی شفا می باشد.

ششم: خواندن نماز عید.

هفتم: خواندن دعای 46 از صحیفه کامله سجادیه.

هشتم: زیارت امام حسین علیه السلام .

نهم: خواندن دعای ندبه. (4)

اعمال روز عید قربان

یکی دیگر از اعیاد مسلمین عید قربان است که روز بسیار شریفی است و اعمال آن عبارت است از:

ص: 31

-
- 1- . سنن ابن ماجه، ج 1، ص 415.
 - 2- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 139.
 - 3- . مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 262.
 - 4- . مفاتیح الجنان، اعمال روز عید فطر.

اول: غسل که در این روز سنت مؤکد است و بعضی از علما آن را واجب کرده اند.

دوم: نماز عید به همان صورتی که در عید فطر خوانده می شود.

سوم: خواندن دعاهای این روز که بهترین آنها دعای چهل و ششم از صحیفه سجادیه می باشد. (یا من یرحم من لایرحمه العباد...)

چهارم: خواندن دعای ندبه.

پنجم: قربانی کردن، یعنی ذبح حیوانی در راه خدا که سنت مؤکد است.

ششم: خواندن تکبیرات بعد از فرایض آن روز(1).

ص: 32

1- . همان، اعمال روز عید قربان.

اعمال روز عید غدیر

روز هیجدهم ماه ذی الحجة، روز عید غدیر و عید بزرگ خداوند (عیدالله الاکبر) و عید آل محمد علیهم السلام و از عظیم ترین عیدها است.

روایت است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا مسلمانان غیر از جمعه و اضحی (عید قربان) و فطر، عید دیگری دارند؟ آن حضرت فرمود: آری، عید دیگری هست که حرمتش از همه بیشتر است و آن روزی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود نصب کرد و فرمود: هر که من مولا- و آقای او هستم، علی علیه السلام آقا و مولای اوست. از آن حضرت در مورد اعمال روز عید غدیر پرسیده شد، آن حضرت فرمود: روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید؛ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام

وصیت کرد که این روز را عید کند. امام رضا علیه السلام به ابی نصر بزنطی فرمود: هر کجا که باشی، سعی کن روز عید غدیر نزد قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام حاضر شوی، بدرستی که خداوند در این روز، گناه 60 ساله هر زن و مرد را می آمرزد و در این روز به اندازه دو برابر کسانی که در ماه رمضان از جهنم آزاد شده اند، خداوند گناهکاران را از جهنم نجات می دهد و هدیه کردن يك درهم به برادر مؤمن در این روز، برابر با 1000 درهم در اوقات دیگر است؛ در این روز به دیگران احسان کن و آنان را شاد نما. به خدا سوگند که اگر فضیلت این روز را - چنانکه شایسته آن است - بدانند، هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند(1).

در هر صورت چند چیز در این روز مستحب است و بهتر است به جا آورده شود:

اول: روزه که کفاره 60 سال گناه است و در روایت آمده که روزه این روز، برابر است با روزه عمر دنیا و معادل است با 100 حج و 100 عمره.

دوم: غسل.

سوم: زیارت حضرت علی علیه السلام مخصوصاً زیارت امین الله.

چهارم: دو رکعت نماز و پس از آن 100 مرتبه شکر خدا.

پنجم: خواندن دعای ندبه.

ششم: گفتن این جمله هنگام زیارت مؤمن: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْاِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَام .**

هفتم: صد مرتبه گفتن این جمله: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ كَمَالَ دِينِهِ وَ تَمَامَ نِعْمَتِهِ بِوَلَايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام .**

هشتم: زینت کردن، جامه نیکو پوشیدن و استعمال بوی خوش و نیز شادی کردن و شاد نمودن شیعیان امام علی علیه السلام و عفو و گذشت از برادران دینی.

نهم: صله ارحام، توسعه بر خانواده، اطعام مؤمنان، افطار دادن به روزه داران، مصافحه با مؤمنان و زیارت ایشان.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش فرمود: «در روز عید غدیر هر کس مؤمن روزه داری را افطار دهد، مانند آن است که 10 فنم را افطار داده باشد. شخصی برخاست و پرسید: ای امیر مؤمنان: «فنام» چیست؟ فرمود: 100 هزار پیامبر و صدیق و شهید.

دهم: ایجاد عقد اخوت بین برادران دینی. و آن بگونه ای است که دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود بگذارد و بگوید: وَ اَخِيَّتْكَ فِي اللّٰهِ، وَ صَافِيَّتْكَ فِي اللّٰهِ، وَ صَافِحْتُكَ فِي اللّٰهِ، وَ عَاهَدْتُ اللّٰهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ كُتِبَہِ وَ رُسُلِهِ وَ

ص: 33

1- . التهذيب، ج 6، ص 34.

أَنْبِيَائِهِ وَ الْأَيْمَةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ عَلَى أَنْيْ إِنْ كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الشَّفَاعَةِ وَ أُذِنَ لِي بِأَنْ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مَعِي . وَ
آنگاه برادر مؤمن بگوید:

قَبِلْتُ وَ سِيسَ بگوید: اسْقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأَخْوَةِ مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَ الدُّعَاءَ وَ الزِّيَارَةَ(1).

عید مبعث

روز بیست و هفتم ماه رجب، از جمله اعیاد بزرگ اسلامی و روزی است که در آن، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به رسالت برانگیخته شد.

خواجه عالم نهاد تاج رسالت به سر عرصه گیتی گرفت از قدمش زیب و فرّ

شاهد زیبای عشق شمع دل افروز شد طور تجلای عشق، باز جهانسوز شد

لعل گهر زای عشق معرفت آموز شد در دل دانای عشق هر چه شد امروز شد

برای این روز اعمال گوناگونی وارد شده است:

اول: غسل.

دوم: روزه که روزه این روز برابر با روزه 70 سال است.

سوم: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد.

چهارم: زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام .

پنجم: خواندن 12 رکعت نماز مخصوص که در مفاتیح الجنان ذکر شده است.

نوروز (اول فروردین)

یکی از سنتهای ملی ایرانیان برپایی عید نوروز است که مردم ایران طبق يك رسم دیرینه، روز اول بهار را - که روز شکوفایی طبیعت است - جشن می گیرند و شادی می کنند؛ هر چند سخن معتبری بر شرعی بودن عید نوروز نیامده، اما از آنجایی که انگیزه اصلی این بزرگداشت، صله ارحام و پاکسازی منازل است، سنت خوبی است.

یکی از این احادیث وارده عبارت است از: امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس فرمود: چون نوروز شود، غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و با بهترین بوهای خوش، خود را خوشبو گردان و در آن روز روزه بدار و نماز مخصوص آن روز را به جای آور [نماز در مفاتیح الجنان آمده است](2) .

در بررسی روایات مربوط به عید نوروز چنین به دست می آید که:

1. زندگی اجتماعی و سیاسی مردم چنین اقتضا می کند که در سال، روزهای خاصی برای تجمع و انجام مراسمی عمومی معین شود. و بررسی تاریخ جوامع، گواه این گفتار و مضمون اکثر روایات وارده در این مجموعه نیز مؤید آن است.

2. مردم حجاز (پیش از اسلام) به دلیل نداشتن اجتماعی متشکل و نیز به خاطر حضور مستقیم یا غیر مستقیم سلطه سیاسی - نظامی ایران در جزیره العرب، خواه ناخواه تحت تأثیر فرهنگ ملی ایران قرار گرفته و عید نوروز و مهرگان را می شناختند و چه بسا مراسمی هم برگزار می نمودند.

3. اسلام و پیامبر گرامی در تأیید و یا ردّ سنن و آداب و رسوم ملی و مذهبی اقوام و جوامع دیگر، دو شرط اساسی و يك شرط توجیهی را همواره در نظر داشتند:

الف: سنتهای پذیرفته شده، مبتنی بر خرافات و آیین های شرك و بت پرستی و ارزشها و قداستهای غیر الهی نباشد.

ص: 34

1- . همان، اعمال روز عید غدیر خم.

2- . همان، اعمال عید نوروز.

ب: از سنتهایی نباشد که موجب وابستگی سیاسی - اجتماعی و... شود، و یا به نحوی استقلال مسلمانان را در ابعاد مختلف زیر سؤال ببرد.

ج: جهت گیری سنت های معقول و غیر مضر به استقلال نیز، همچون مجموعه بینش توحیدی اسلام، باید معنوی و در جهت متبلور ساختن عبودیت انسان در برابر حق تعالی باشد.

در نتیجه مراسمی مانند نوروز، گرچه مبنای خرافی ندارد، اما اگر به استقلال فکری و فرهنگی اسلام ضربه بزند و موجب تحت الشعاع قرار گرفتن عید فطر و قربان و غدیر باشد و نیز تنها به بعد طبیعی این روزها بسنده شود، باز هم برای اسلام قابل تأیید نیست. البته اگر نوروز از ویژگی های شیعیان و محبان اهل بیت باشد و مراسمی جهت تشکّل مؤمنان در برابر نیرنگ و ظلم ستمگران قرار گیرد، آن گاه به عنوان «روز اهل بیت» و یا «روز شیعیان» نامیده می شود و هر روز نوروز می گردد(1).

معلى بن خنيس مى گوید: در عيد نوروز به حضور امام صادق عليه السلام شريفاب شدم، حضرت فرمود: امروز را مى شناسى؟ عرض کردم: روزى است که عجمها آن را بزرگ مى شمارند و در آن روز به یکدیگر هدیه مى دهند. حضرت فرمود: امروز روزى است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت تا او را عبادت کنند و به او شرك نوزند و به پیامبران و حجج الهی و ائمه معصوم عليهم السلام ایمان بیاورند و... در این روز قائم ما (عج) ظاهر می شود. ما اهل بیت عليهم السلام در نوروز هر سال ظهور اسلام و گشایش آن را توقع داریم؛ چون نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست(2).

احکام عید نوروز و مراسم آن

س: نظر حضرت تعالی راجع به عید نوروز چیست؟ آیا همانند عیدهایی که مسلمانان آنها را جدی می گیرند مثل: عید فطر و قربان از نظر شرعی ثابت شده است، یا اینکه مثل روز جمعه و مناسبتهای دیگر فقط روزی مبارك محسوب می شود؟

ج: هر چند نص معتبری مبنی بر اینکه عید نوروز از اعیاد دینی یا ایام مبارك شرعی باشد وارد نشده است، ولی جشن گرفتن و دید و بازدید در آن روز اشکال ندارد، بلکه از این جهت که صله رحم می باشد، مستحسن است.

چهارشنبه سوری و ترقه بازی

س: آیا آنچه راجع به عید نوروز و فضیلت و اعمال آن وارد شده، صحیح است؟ آیا انجام آن اعمال (اعم از نماز و دعا و...) به قصد ورود جایز است؟

ج: انجام آن اعمال به قصد ورود، محل تأمل و اشکال است، بلکه انجام آنها به قصد رجاء و امید مطلوب بودن، اشکال ندارد(3).

س: همانطور که مستحضرید یکی از سنتهای ملی ملت ایران برپایی عید نوروز است که آرایه هایی نیز برای آن قرار داده شده که از جمله مراسم چهارشنبه سوری و سیزده به در است. در طول سالهای اخیر برپایی این مراسمها علاوه بر بجا گذاشتن تلفات و خسارات جانی و مالی موجب هتک حرمت مسائل شرعی شده و به ویژه در روز سیزده به در در صحراها و بیابانها برخی علاوه بر اختلاط محرم و نامحرم به رقص و پایکوبی و انجام برخی محرّمات دیگر می پردازند. از آنجایی که متأسفانه روز به روز این گونه سنت ها در حال رواج است، خواهشمند است نظر مبارك خود را در مورد این عید و آرایه های آن بیان فرمایید تا متدینین وظیفه خود را در قبال آن بدانند(4).

آیت الله خامنه ای: در اصل عید و عید گرفتن اشکالی نیست، باید از کارهای حرام احتراز شود.

آیت الله فاضل: عید فی نفسه مانعی ندارد، ولی انجام محرمات شرعی در هیچ حال و تحت هیچ عنوان جایز نیست و

ص: 35

1- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 183.

2- . همان، ص 38.

3- . اجوبه الاستفتائات، ص 327.

4- . مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج 1، ص 159.

مسلمانان و مؤمنان باید از کار حرام همواره اجتناب کنند و در این گونه موارد نهی از منکر کنند.

آیت الله مکارم: عید نوروز مراسم و جنبه های مثبتی دارد مانند: پاک سازی منازل، صله رحم، دید و بازدید و امثال اینها که از نظر شرع مقدس اسلام خوب است، ولی از مراسم خرافی مانند شب چهارشنبه سوری و سیزده به در سزاوار است اجتناب شود. آیت الله تبریزی: فعل حرام، حرام است و فعل حلال، حلال؛ چه در عید نوروز باشد و چه در غیر آن و تکلیف دیگران این است که در چنین مواردی امر به معروف و نهی از منکر کنند. آیت الله صافی: رقص و اختلاط محرم و نامحرم همیشه و در همه جا حرام است، خواه در عید نوروز باشد یا سیزده به در یا غیر اینها، و همچنین هر عملی که موجب هتک حرمت اسلام باشد و همچنین آتش بازی در چهارشنبه سوری یا هر وقت دیگر. شخص مسلمان باید اسلام را بر همه شئون و مراسم مقدم بدارد و آنچه که ایرانیان قبل از اسلام به عنوان مذکوره بنام مراسم ملی و غیره انجام می داده اند، از نظر اسلام محکوم است و اسلام بر آن خط بطلان کشیده و کسی که مجدداً بخواهد تحت هر نام و عنوانی آن را احیا کند، برخلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده است.

چهارشنبه سوری و ترقه بازی

س: استفاده از ترقه و مواد قابل انفجار و ساخت و خرید و فروش آنها اعم از اینکه موجب اذیت و آزار بشوند یا خیر، چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که موجب اذیت و آزار دیگران باشد، یا تبذیر مال محسوب شود، یا خلاف قانون و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست (1).

یکی از مراجع در مورد سیزده به در و ریشه تاریخی آن می گوید:

مراسم خرافی سیزده به در را من بررسی کردم. سرچشمه اش از نظر تاریخ به «اصحاب الرّس» برمی گردد که در قرآن به آن اشاره شده است. در حالات اصحاب الرّس در تفاسیر اشاره شده و در یکی از شرحهای نهج البلاغه هم داستان مفصل آن را دیدم. 12 شهر یا آبادی بود که هر شهر و هر آبادی به نام یکی از ماههای سال خورشیدی بود، نام یکی فروردین و یکی اردیبهشت و یکی خرداد و... مذهبشان هم بت پرستی بود، آنان درختان صنوبر را پرستش می کردند و صنوبر منبع درآمد خوبی برای آنها بود. روز اول که می شد، همه از تمام 12 شهر یا روستا در شهر «فروردین» جمع می شدند و مراسم جشن برپا می کردند. روز بعد به شهر اردیبهشت می رفتند و جشن می گرفتند و همینطور تا به آبادی اسفند که می رسید، 12 شهر تمام می شد. روز سیزدهم دسته جمعی از آبادی ها به بیابانها می رفتند و مراسم سیزده به در و جشن و پایکوبی و آلودگی به انواع مفاسد را در آنجا برگزار می کردند؛ بنابراین سیزده به در یک سنتی بوده که از بت پرستان باقی مانده، همانطور که سنت مراسم شب چهارشنبه سوری هم - که احترامی برای آتش قائل می شدند - سنتی از آتش پرستان است (2).

یکی دیگر از کارهایی که قبل از عید نوروز و روزهای تعطیل آخر سال به عنوان شادی و نشاط انجام می گیرد، مسئله ترقه بازی و مراسم چهارشنبه سوری است که به نوعی احیای مظاهر ملی گرایی سنت های باطل به حساب می آید. در صورتی که انجام این امور به اتفاق همه علما و مراجع جایز نبوده و مبنای عقلانی ندارد (3).

ولیمه و عقیقه

یکی از سنتهای اسلامی در شادی ها سنت ولیمه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

- 1- . اجوبه الاستفتاءات، ص 243.
- 2- . آیت الله مکارم شیرازی، به نقل از کتاب مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ص 156.
- 3- . همان.

لا وَلِيْمَةَ إِلَّا فِي حَمْسٍ: فِي عُرْسٍ أَوْ حُرْسٍ أَوْ عِدَارٍ أَوْ وَكَارٍ أَوْ رِكَازٍ(1)؛ ولیمه و اطعام در پنج مورد بیشتر تاکید شده است: عروسی، هنگام تولد نوزاد، ختنه اولاد، موقع خرید خانه، در مراجعت از زیارت خانه خدا.

در احادیث زیادی و به مناسبت‌های مختلفی سفارش شده که مؤمنان سفره بگسترند و به دیگران اطعام کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما کسی است که دیگران را اطعام کند و به سلام کردن مبادرت ورزد و هنگامی که مردم خوابیده اند، به نماز برخیزد(2).

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که مؤمنی را اطعام کند، خداوند او را با طعامهای بهشتی سیر می کند(3).

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند اطعام طعام و افشای سلام را دوست دارد(4).

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: بوی غذا و ولیمه غیر از بوی غذاهای دیگر است، علت آن چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه در يك عروسی شتر یا گاو یا گوسفندی ذبح شود، خداوند ملکی را از بهشت با مقدار يك قیراط از مشك بهشتی می فرستد تا آن را به آن غذا و ولیمه اضافه نماید و این بوی خوش، مربوط به مشك بهشتی است(5).

علامه مجلسی در حلیه المتقین آورده است: بدان که عقیقه(6) فرزند بر کسی که به آن قادر باشد، مستحب مؤکد است و بعضی از علما آن را واجب می دانند و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تا هنگام بلوغ تأخیر کند، بر پدر مستحب است. و سپس از بلوغ تا آخر عمر به عهده خود شخص است. و تأکید شده است که گوشت عقیقه به صورت طعام پخته و بین مؤمنان تقسیم شود. در روایت آمده که نامگذاری فرزند در روز هفتم مناسب است و در همین روز است که برای او عقیقه می کنند و سر او را می تراشند و به اندازه وزن موی سر او، نقره صدقه می دهند. از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز ولادت حسنین در گوش آنها اذان گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و ران گوسفند را به قابله دادند(7). آداب و دعا‌های عقیقه به صورت مفصل در کتاب حلیه المتقین آمده است.

مراسم ختنه

یکی دیگر از سنتهای مورد تأکید اسلام - که متأسفانه امروزه به فراموشی سپرده شده - مراسم ختنه است که قبلاً با سرو صدای خاصی برگزار شده و دارای ابهت زیادی بود، اما امروزه به برکت پیشرفت طب! کودک را به درمانگاه برده و بی سرو صدا ختنه می کنند.

در هر صورت در روز هفتم سنت مؤکد است که بچه را ختنه کنند. پیامبر فرمود: فرزندان خود را در روز هفتم ختنه کنید که بدن طفل را بیشتر پاکیزه می کند، گوشت بدن او زودتر می روید. زمین کراهت دارد از ادرار کسی که ختنه نکرده باشد(8).

کارگشایی

ص: 37

- 2- . الكافي، ج 2، ص 201.
- 3- . وسائل الشيعة آل البيت، ج 24، ص 293.
- 4- . همان، ج 34، ص 287.
- 5- . همان، ج 16، ص 452.
- 6- . عقیقه یعنی گوسفندی که روز هفتم ولادت طفل هنگام تراشیدن سر او قربانی کنند. فرهنگ عمید
- 7- . حلیه المتقین، ص 82.
- 8- . مسند زید بن علی، ص 495؛ عیون اخبار الرضا.

رسول گرامی اسلام می فرماید: در شب معراج دیدم که بر سر در بهشت این کلمات نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، برای هر چیزی چاره ای است و راه شادی و سرور در آخرت داشتن چهار خصلت است: 1. نوازش یتیمان. 2. مهربانی با خاك نشینان. 3. تلاش برای رفع نیازهای مؤمنان. 4. دلجویی و مهربانی با فقرا و مساکین (1).

یکی از موارد شادی و شادی آفرین مسئله کارگشایی و کمک به دیگران است که به نوعی دیگران را شاد و خوشحال می کند. متأسفانه دوری از فرهنگ اهل بیت مشکلات فراوانی برای مسلمانان ایجاد کرده است که یکی از آنها بی تفاوتی و بی دردی در برابر نیازها و گرفتاریها و رنجهای برادران دینی است. احادیث زیادی در ترغیب به کارگشایی از امور دیگران وارد شده است، تا جایی که آن را محبوبترین عمل در پیشگاه خداوند دانسته اند.

پیامبر اکرم فرمود: بهترین اعمال در پیشگاه الهی سه چیز است: ایجاد خوشحالی در دل مؤمن، رفع گرسنگی و زدودن غم و اندوه از چهره او (2).

خوشحال کردن مؤمن خوشحال کردن پیامبر خداست

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده است و کسی که مرا خوشحال کند، خدا را خوشحال کرده است (3).

امام محمدباقر علیه السلام می فرماید: تبسم به روی برادر دینی و رفع کدورت و نگرانی از او حسنه است. و خداوند به چیزی بهتر از ادخال سرور بر مؤمن عبادت نمی شود.

پیامبر گرامی اسلام نیز می فرماید: محبوبترین اعمال نزد خداوند ادخال سرور بر مؤمن است (4).

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرماید: محبوبترین اعمال نزد خداوند ادخال سرور بر مؤمن است؛ و رفع گرسنگی او و قضاء حاجتش (5).

بعضی از یاران امام باقر علیه السلام به ایشان گفتند که شیعه در جامعه ما زیاد است. امام فرمود: آیا بی نیاز و توانگر نسبت به نیازمند عطوفت و مهربانی می کند و آیا نیکوکار از خطاکار می گذرد و در مسائل مالی به همدیگر کمک می کنند؟ گفتند: خیر. امام فرمود: پس اینها شیعه نیستند، چون شیعه کسی است که اینگونه عمل کند (6).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: کسی که در پی رفع حاجت برادر دینی خود قدم بردارد، خداوند بزرگ برای او 10 ثواب می نویسد و به او 10 درجه عطا می فرماید و از ده گناه او صرف نظر می کند و شفاعت 10 نفر را از او می پذیرد (7).

امام صادق علیه السلام از مردی پرسید ثواب خوشحال کردن مؤمن چیست؟ گفت: 10 حسنه است. فرمود: به خدا قسم هزار هزار حسنه است (8).

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگام مبعوث شدن مؤمن و خارج شدن او از قبر، مثال او (یا فردی شبیه او) همراه

- 1- . لِكُلِّ شَيْءٍ حَيْدَةٌ وَحَيْلَةٌ الشُّرُورِ فِي الْآخِرَةِ أَزِيغَ خِصَالٍ: 1. مسح رأس اليتامى 2. و التَّعَطُّفُ عَلَى الْأَرَامِلِ 3. وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ 4. وَ تَقَدُّدُ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ (مستدرك الوسائل، ج 2، ص 474).
- 2- . فروغ حديث، ص 187.
- 3- . همان.
- 4- . همان، ص 189.
- 5- . همان.
- 6- . همان، ص 189.
- 7- . همان، ص 195.
- 8- . كافي، ج 2، ص 192.

او از قبر خارج می شود و جلوی او راه می رود و هرگاه مشاهده کند که مؤمن بیمناک و هراسان است، به خاطر هول و هراس روز قیامت، به او می گوید نگران و محزون نباش و بشارت باد بر تو به سرور و کرامت از جانب خداوند. تا آنکه در پیشگاه خداوند عز و جل می ایستد و از او حساب آسانی گرفته می شود. و به او گفته می شود که به سرعت به سوی بهشت برو در حالیکه آن مثال پیشاپیش اوست. مؤمن به مثال می گوید خدا رحمتت کند چه خوب چیزی بودی که با من از قبر خارج شدی و مرا به سرور و شادی بشارت دادی، تو کیستی؟ می گوید من همان شادایی هستم که تو در دنیا بر برادر مؤمنت وارد کردی.

موسیقی در مجالس جشن اهل بیت علیهم السلام

اخیراً در میلاد ائمه معصوم علیهم السلام به عنوان جشن مولودی و یا مناسبت‌های دیگر تحت عنوان اجرای موسیقی سنتی، کنسرت‌های موسیقی برپا می شود و یا سرودهایی همراه با آهنگ به صورت طرب آور و با خوانندگی های جلف اجرا می شود. به راستی آیا این حرکتها از سوی افراد و گروهها در مجالس و منازل اشخاص و یا در فرهنگسراها و یا اماکن مقدس جایز است و آیا اساساً با توجه به سیره ائمه معصوم می توان به نام اهل بیت به چنین اقدامی دست زد؟ مراجع عظام تقلید این گونه محافل و مجالس را که باعث هتك حرمت و بی احترامی به ائمه اطهار است، جایز نمی دانند و آن را نهی کرده اند(1).

از مواردی که اخیراً در محافل و مجالس شادی و جشن ائمه معصوم علیهم السلام مرسوم شده، استفاده از ابزار و آلات موسیقی مانند: دف، دایره، و... می باشد. در برخی از مجالس مخصوصاً مجالس زنانه گروههایی با گرفتن مبالغ سنگین به وسیله این ابزار و آلات برنامه اجرا می کنند و در برابر اعتراض افراد می گویند: «خود ائمه فرموده اند در شادی ما شاد و در عزای ما عزادار باشید.» آیا اینگونه حرکات موجب رضایت اهل بیت است؟ علمای دین و مراجع تقلید از این امور نهی کرده و آن را جایز نمی دانند و پول گرفتن در مقابل این کارها را حرام می دانند(2).

شادی های واقعی

با توجه به مباحث گذشته، روشن گردید که دین مبین اسلام، هر چیزی را در جای خود از مکلفین خواسته است و آنچه در این دین شریف اهمیت دارد، عدم تداخل مرزهای موضوعات و احکام است؛ یعنی آنچه حلال است، باید حلال و آنچه حرام است، باید حرام باشد. در دین ما هم شادی وجود دارد و هم غم، اما هر يك در جای خویش نکوست، آنچه اجتماعات شادی را تا حدودی با مشکل مواجه کرده است آرایه هایی است که بر این مجالس بسته شده است؛ مثلاً در مجالسی چون عروسی و یا مولودی ها مسائلی چون اسراف و تبذیر، تجمل گرایی، چشم و هم چشمی، سد معابر و آزار مسلمانان، به راه انداختن کارناوال ماشین ها در نیمه های شب و بوق زدن ممتد و امثال اینها است که نباید در يك مجلس شاد دینی وجود داشته باشد.

ص: 39

- 1- همان، ص 36. آیت الله خامنه ای: هرگونه خوانندگی و نوازندگی که متناسب با مجالس عیش و نوش و خوشگذرانی باشد، جایز نیست. آیت الله لنکرانی: به طوری کلی هر امری که هتك و بی احترامی به ائمه اطهار تلقی شود، جایز نیست و ظاهراً مجموع این اعمال عرفا هتك محسوب می شود. آیت الله بهجت: برپایی و شرکت در این مجالس حرام است. آیت الله تبریزی: اجرای موسیقی در مجالس معصومین مطلقاً جایز نیست. آیت الله مکارم: کلیه آهنگها و صداهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است، حرام است.
- 2- همان. آیت الله بهجت: برپایی این مجالس و پول دادن به آنها حرام است. آیت الله تبریزی: استعمال آلات لهو در مجالس

معصومان و نیز حضور در مجالسی که این برنامه ها در آن اجرا می شود، و گرفتن پول برای این منظور جایز نیست، مجالس معصومان علیهم السلام باید طوری باشد که مردم را به فضایل و سفارشهای معصومان علیه السلام آشنا نماید و آنها را به یاد خداوند متعال بیندازد. آیت الله صافی: هیچ يك جایز نیست و در مجالس مربوط به اهل بیت توهین به مقامات آن بزرگواران نیز می باشد و در ایام شادی آن بزرگواران، اینگونه حرکات موجب غضب آنهاست و با انجام معاصی نمی توان در این مراسم ابراز شادی کرد و دعوت از مجریان اینگونه برنامه ها و پول دادن در مقابل آن، جایز نیست و اگر اشخاص از این مجریان دعوت کنند و یا به آنها پول بدهند و یا در مجالس آنها شرکت کنند، موجب رواج منکرات شده اند و قلب مبارك امام زمان ارواحنا فداه را نگران می سازند.

آری، اگر هزینه های سنگین يك عروسی صرف كمك به فقرا، ایتام و... گردد، عده ای از مسلمانان شاد شده اند و بطور طبیعی، بانیان مجلس نیز از ته دل در آن شادی شريك خواهند بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می فرماید:

- شادی تو در آن است که قوی ترین مردم باشی، پس بر خدا توکل کن.

- شادی تو در آن است که عزیزترین مردم باشی، پس از خدا بترس.

- شادی تو در آن است که غنی ترین مردم باشی، پس نسبت به آنچه در دست قدرت خداست مطمئن تر باش به آنچه در دست خودت است(1).

امام رضا علیه السلام هم به ریان شیب می فرماید:

- شادی تو در آن است که در حالی خدا را ملاقات کنی که گناه نکرده باشی، پس امام حسین علیه السلام را زیارت کن.

- شادی تو در آن است که در غرفه های بهشت با پیامبر صلی الله علیه و آله همنشین باشی، پس قاتلان امام حسین علیه السلام را لعنت کن.

- شادی تو در آن است که به درجه ثواب کسانی برسی که با امام حسین علیه السلام شهید شدند، پس هرگاه آنها را یاد کردی بگو: «یا لیتنی كنت مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً».

- شادی تو در آن است که در درجات بالای بهشت با ما باشی، پس در حزن ما محزون و در شادی ما شاد باش(2).

بارها! ما را جزء محبوبترین مردم در پیشگاهت قرار ده، که به فرموده رسول گرامی ات محبوبترین مردم در پیشگاه تو کسی است که بیشترین سود و خدمت را به مردم عرضه نماید. آمین یارب العالمین

منابع

1. آخرین راز شادزیستن، اندرو متیوس، [ترجمه] وحید افضلی راد، نشر نیریز، تهران، زمستان 80.
2. رساله اجوبه الاستفتائات، آیت الله خامنه ای، چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، 1379.
3. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، [تصحیح] علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب اسلامی، 1363.
4. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمدحسین طباطبایی، [ترجمه] محمدباقر موسوی همدانی، چاپ سوم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، 1367.
5. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403 ق. 6. تفسیر نور، محسن قرائتی، چاپ اول، مؤسسه در راه حق، قم، 1375.

7. جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، مطبعه النجف، نجف اشرف، 1383 ق.

8. حلیه المتقین، علامه محمد باقر مجلسی.

9. خانواده و شادکامی، علی پریور، شرکت سهامی انتشار، چاپ حیدری، تابستان 63.

10. دعائم الاسلام، مغربگ ابی حنیفه نعمان بن محمد، الطبعة الثانية، مصر، دارالمعارف، 1965 م.

11. رساله توضیح المسائل، روح الله موسوی خمینی.

12. روان درمانی برای همه، باقر ایرج پور، چاپ اول، تهران، انتشارات زرین، 1375.

ص: 40

1- . وسایل الشیعه، ج 14، ص 417.

2- . همان، ص 502.

13. روانشناسی تحلیلی، شرح نقد و داوری درباره فلاسفه قدیم و دانشمندان عصر جدید و تحقیقات سرور و خوشحالی، خصوصی و آزمایشی (با نگرش اسلامی)، محمدحسین ضیایی بیدگلی.
14. 365 روز با شادکامی، جان شیندلر، ترجمه محمود ادبی، نشر مادر، چاپ صادق، چاپ دوم، تهران.
15. سفینه البحار، مرحوم شیخ عباس قمی، سفینه البحار، چاپ اول، انتشارات اسوه، قم، 1414 ق.
16. سیمای خوشبختی، حمید رسایی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1368.
17. شادمانی دل پیامبر، احمد رحمانی.
18. شادی و امید، عزیزالله حاتمی، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ دوم.
19. شادی و زندگی، مهدی بهادری نژاد، چاپ سیاره، چاپ دوم، فروردین 78.
20. شرع و شادی، ابوالفضل طریقه دار، انتشارات حضور، چاپخانه پاسدار اسلام، قم، چاپ اول، 1380.
21. غم و شادی در سیره معصومان، محمود اکبری، نشر صفحه نگار عترت، قم، چاپ اول.
22. فضایل و سیره امام حسین در کلام بزرگان، عباس عزیزی، انتشارات صلاة، چاپ عترت، چاپ اول، پاییز 81.
23. کنز العمال، فی سنن الاقوال و الافعال، علاءالدین علی المتقی حسام الدین، الطبعة الاولى، مؤسسه الرساله، 1409 ق.
24. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، مهر 45، 1258 - 1334.
25. ماهنامه کوثر، مرداد 76.
26. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید محسن محمودی، نشر علمی فرهنگی صاحب الزمان، مهدیه ورامین، زمستان 80.
27. مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، الطبعة الاولى، مؤسسه آل البیت، قم، 1407 ق.
28. مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی.
29. نگاهی نو در آینه معارف به خنده، شوخی شادمانی، احمد لقمانی، نشر امیر، چاپ اول، بهار 80.
30. نهج البلاغه، شریف رضی، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1368.
31. نیازمندیهای نسل جوان، محمدحسین حق جو.
32. وسائل الشیعه، محمدحسن حر عاملی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، 20 جلدی.

33. هميشه شاد باشيد، مايكل آيزيك، [ترجمه] زهرا چلونگر، نشر نسل نواندیش، چاپ اول، پاییز 78.

ص: 41

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

